

۲.۵ برابر شدن تولید گندم با حمایت‌های دولت سیزدهم

تدابیر دولت برای ساماندهی بازار خودرو

سخنگوی تعزیرات: گرانفروشی خودرو به بهانه آپشن‌های الزامی تخلف است. احقاق حقوق مردم به مردم اطمینان...

صفحه ۲

اشتغالزایی برای ۶۷۰ هزار روستایی با تکیه بر مهارت‌افزایی

احیای ۹۰۰ واحد تولیدی در روستاها احیای ۹۰۰ واحد صنعتی و تولیدی در قالب طرح‌های خرد و خانگی...

صفحه ۳

صادرات ۱۰.۴ میلیون دلاری گل و گیاهان زینتی

سرپرست دفتر امور گلخانه و گیاهان زینتی وزارت جهاد کشاورزی گفت: بر اساس آخرین آمار سال ۱۴۰۱، به میزان ۱۲.۳ هزار...

صفحه ۴

آغوش باز بیشکک برای توزیع نفت ایران به بازار

قرقیزستان اعلام کرده، خواهان تأمین فرآورده‌های نفتی مورد نیاز بویژه بنزین، نفت گاز، سوخت جت، نفت سفید و...

صفحه ۵



افزایش ۱۴۰ دلاری طلای جهانی رقم خورد



طارمی، پنجمین ستاره لیگ قهرمانان



تلاش برای القای افزایش نرخ ارز

۲.۵ برابر شدن تولید گندم با حمایت‌های دولت سیزدهم

دولت سیزدهم با سیاست‌های حمایتی خود از جمله افزایش قیمت خرید تضمینی گندم، اجرای کشت قراردادی و همچنین جهش تولید در دیمزارها، تولید گندم را به ۲.۵ برابر سال ۱۴۰۰ افزایش داد.

با توجه به خرید حدود ۷ میلیون و ۱۹۶ هزار تن گندم از کشاورزان در سال گذشته با قیمت ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومان، دولت سیزدهم در سال اول خود حدود ۸۳ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان به کشاورزان پرداخت و بودجه فعلی چیزی حدود دو برابر آن است. در سال ۱۴۰۰ تنها حدود ۲۳ هزار میلیارد تومان به این امر اختصاص یافته بود. بنابراین اختلاف فعلی پرداخت مطالبات گندمکاران در سال دوم دولت سیزدهم با سال آخر دولت دوازدهم چیزی حدود ۱۱۳۳ هزار میلیارد تومان است؛ بودجه خرید تضمینی قرار بود از محل منابع هدفمندسازی یارانه‌ها ناشی از کاهش صادرات فرآورده‌های نفتی و همچنین پرداخت بهای گاز مصرفی توسط شرکت‌های پتروشیمی تأمین شود اما محقق نشد. دولت سیزدهم از یک سو خود را موظف به عهده‌ی که با کشاورزان داشت می‌انست و از سوی دیگر با افزایش مبلغ و حجم تولید گندم و نیز عدم تحقق منابع بودجه‌ای مواجه بود.

در این شرایط با تدبیر سازمان برنامه و بودجه لایحه دوفوریتی اصلاح بودجه به مجلس ارائه داد تا بتواند از طریق مزاد درآمدهای نفتی این طلب را تسویه کند اما نمایندگان مجلس به دوفوریتی این لایحه رأی ندادند. پس از آن «داوود منظور»، رئیس سازمان برنامه و بودجه در سخن علنی مجلس شورای اسلامی گفت: تبصره (۱۴) بن‌بست است، این تبصره ناتراز بسته شده است. دولت برای اصلاح بودجه لایحه دوفوریتی ارائه کرد ولی مصوب نشد که در نتیجه پرداخت پول گندمکاران با مشکل مواجه می‌شود و به دنبال راهکار جایگزین است. اما دولت در شهریور ماه راه حل جدیدی برای حل مسأله پیدا کرد و با اخذ مجوز شورای عالی هماهنگی اقتصادی و مصوبه هیئت وزیران برای تأمین مبلغ ۳۵ هزار میلیارد تومان اقدام تا همان‌طور که توسط سازمان برنامه و بودجه کشور وعده داده شده بود، بقیه‌مانده مطالبات کشاورزان در پایان مهر ماه تسویه شد.

کشور خریداری کند. وزیر جهاد کشاورزی با تشکر از دولت مردمی افزود: رئیس‌جمهور در هر موقعیتی پیگیر مطالبات گندم‌کاران بود و از تاکیدات ایشان در هیئت دولت پرداخت مبلغ گندم به کشاورزان در سریعترین زمان ممکن بود. نیکیخت با موثر خواندن اقدام وزارت جهاد کشاورزی در خرید تضمینی گندم یادآور شد: خرید این مقدار گندم در سال زراعی که پشت سر گذاشتیم؛ کشور را در گندم نان به خودکفایی رساند و یکی از توفیقات بزرگ دولت در تولید و تأمین این محصول استراتژیک رقم خورد. در همین رابطه بار دیگر از کشاورزان کشور تشکر کرد و اظهار داشت: وزارت جهاد کشاورزی به وعده خود در پرداخت مطالبات گندم‌کاران تا پایان مهرماه عمل کرد و این ایفای تعهد در حالیست که میزان خرید تضمینی گندم نسبت به سال قبل آن از ۴۴ درصد رشد برخوردار بود. این اقدام بزرگ علیرغم مشکلاتی بود که دولت در تأمین منابع لازم برای خرید تضمینی گندم با آن مواجه شد. در بودجه سال جاری پیش‌بینی شده بود که ۸ میلیون تن گندم با قیمت ۱۳ هزار تومان (با احتساب ۱۵۰۰ تومان حمایت غیرقیمتی بابت یارانه کود و بذر) از کشاورزان خریداری خواهد شد به همین دلیل برای این امر ۱۰۴ هزار میلیارد تومان بودجه اختصاص یافته بود که از همین میزان بودجه نیز برای پرداخت مطالبات تبصره ۱۸، سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی کسر شده بود.

گندم یکی از محصولات راهبردی غذایی در جهان است که پایه تأمین امنیت غذایی انسان‌ها به‌شمار می‌رود. اغلب دولت‌ها برای اطمینان از تأمین نیازهای خود، سیاست خرید تضمینی گندم و سایر محصولات راهبردی را اجرا می‌کنند. سیاستی که از یک سو اطمینان از فروش محصول را برای کشاورزان و از سوی دیگر تأمین نیازهای غذایی برای مصرف‌کنندگان را به همراه دارد.

افزایش قیمت خرید تضمینی گندم از پنج هزار تومان در سال ۱۴۰۰ به ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومان در سال ۱۴۰۱ و ۱۵ هزار تومان در هنگام برداشت محصول در سال ۱۴۰۲ موجب افزایش تولید گندم در کشور از ۴.۵ میلیون تن به ۱۰.۴ میلیون تن در سال جاری شده است. اجرای موفق این سیاست با نقش آفرینی وزارت جهاد کشاورزی در بخش تولید و محوریت سازمان برنامه و بودجه با پرداخت ۱۵۶ هزار میلیارد تومان به کشاورزان زحمت کش کشور محقق شد. در حالی که در بازه زمانی دو سال اخیر حجم تولید گندم در کشور تقریباً ۲.۵ برابر شده است اما میزان پرداخت دولت به گندمکاران نزدیک به هفت برابر شده است. این نشان از همت جدی و برنامه ریزی دقیق دولت در سیاست گذاری و تأمین منابع بودجه‌ای اجرای این سیاست راهبردی در کشور است.

در همین خصوص «محمدعلی نیکیخت» وزیر جهاد کشاورزی از پایان تسویه مطالبات گندم خریداری شده در سال زراعی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ خبر داد و گفت: امسال وزارت جهاد کشاورزی با کمک دولت توانست ۱۰ میلیون و ۳۵۷ هزار تن گندم از کشاورزان ۳۱ استان

سهام تولید از واردات بیشتر شد

آمارهای جدید بانک مرکزی از جزئیات واردات کشور در شش ماهه نخست سال جاری و مدت مشابه سال گذشته، نشان می‌دهد مقدار واردات از ۲۶ میلیارد دلار در نیمه نخست سال گذشته به ۳۰ میلیارد دلار در نیمه نخست سال جاری افزایش یافته است. با این حال بررسی جزئیات این ارقام نشان می‌دهد سهم و ارزش کالاهای اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای از واردات کشور به میزان چشمگیری افزایش یافته و در مقابل، سهم و ارزش کالاهای مصرفی از واردات کاهش یافته است. افزایش سهم کالاهای مورد استفاده در تولید همزمان با کاهش سهم و ارزش کالاهای اولیه، نشان می‌دهد ترکیب واردات کشور، به نفع تولید تغییر کرده است. نظارت بانک مرکزی بر مصارف ارزی کشور، از جمله مهمترین عوامل این تغییر ترکیب در واردات بوده است. نکته دیگر در این رابطه، رشد واردات نسبت به سال گذشته است. تخصیص ارز بیشتر برای واردات، نشانه‌های روشن از باز بودن دست بانک مرکزی در تخصیص ارز، ترکیب مصارف را در نظر گرفته تا ذخایر ارزی کشور صرف مهمترین نیازهای کشور به ویژه نیازهای بخش تولید کشور شود. در نتیجه همین سیاست، تخصیص ارز به نیازهای بخش تولید، به میزان چشمگیری افزایش یافته در حالی که کالاهای مصرفی در واردات کشور، کم‌رنگ شده است.

«رفاه گمشده»، میراث یک دهه بی‌عملی در اقتصاد

وزارت اقتصاد اعلام کرد: رشد اقتصادی بهار ۱۴۰۲ با افزایش تولید ناخالص داخلی، رشد مثبت تشکیل سرمایه ثابت، کاهش بیکاری و افزایش مشارکت اقتصادی همراه است و قاعدتا با رشد با برآیند صفر دولت گذشته متفاوت خواهد بود.

به گزارش از وزارت امور اقتصادی و دارایی، این وزارتخانه در پاسخ به گزارش مورخ ۲۹/۰۷/۱۴۰۲ روزنامه «سازندگی» با تیتیر «رفاه گمشده» توضیح داد: کیفیت رشد اقتصادی و تداوم آن از اولویت‌های دولت سیزدهم است؛ تحلیل داده‌های اقتصادی نشان می‌دهد در کنار رشد اقتصادی با احتساب نفت، رشد اقتصادی بدون نفت و سایر بخش‌ها نیز افزایش یافته است.

رشد اقتصادی بر اساس گزارش بانک مرکزی در ۳ ماهه نخست امسال اقتصاد کشور با نفت، رشد ۶.۲ درصدی و بدون احتساب نفت، رشد ۵.۷ درصدی بوده و هرچند رشد بخش نفت در بهار امسال ۱۶.۴ درصد به استناد گزارش بانک مرکزی بوده، اما سایر بخش‌های اقتصادی نیز توانستند رشد بالایی را محقق کنند.

همچنین رشد اقتصادی بر اساس گزارش مرکز آمار ۷.۹ درصد با نفت و بدون نفت ۶.۱ درصد بدون نفت بوده است؛ رشد بخش نفت بر اساس این آمار ۱۹.۸ بوده اما سایر بخش‌ها نیز شاهد رشد متوازی بودند و به روایت مرکز آمار تمام گروه‌های اقتصادی کشور بجز گروه کشاورزی رشد اقتصادی مثبت داشتند که این بخش نیز عمدتاً به دلیل خشکسالی بوده است.



ضربه به تولید با سیاست چندترخی ارز

یادداشت

پیمان هوشمندیان

یکی از زخم‌های التیام‌نیافته ارزی که آسیب جدی به تولید و اقتصاد وارد کرده، موضوع چندترخی بودن ارز است. چندترخی بودن ارز به منزله مانعی جدی برای توسعه صادرات کشور عمل کرده و به رانت و فساد دامن زده. بعضی اعداد از هزاران صفحه مقاله گویاتر است. نمونه اینکه بررسی‌ها نشان می‌دهد ارزش دلار در برابر ریال طی ۱۶ سال گذشته، ۱۶ هزار برابر شده است، یا اینکه در سال ۱۳۰۸ که برای اولین بار طلا به‌عنوان پشتوانه پول ملی قرار گرفت (قبل از آن واحد پول قران و پشتوانه آن نقره بود) هرریال برابر با ۳ گرم طلا بود، ولی در سال ۱۴۰۰ هرگرم طلا برابر با ۱۸ میلیون ریال شد. همه این‌ها یعنی طی یک قرن گذشته ارزش پول ملی مدام در حال کاهش بوده و برخی مواقع با شتاب بیشتر یا کمتر این مسیر را طی کرده است. اما چرا این اتفاق رخ داده است؟ علاوه بر دلایل مختلف اقتصادی، می‌توان به ایرادات بنیادین نظام ارزی ایران اشاره کرد. اقتصاد ایران به دلیل نفتی و دولتی بودن دهه‌هاست که به‌نوعی آسیب ارزهای خارجی به‌خصوص دلار و سیاست‌های پرنوسان آن شده است؛ دلارهایی که هم در سال‌های افزایش درآمدهای ارزی به دلیل سیاست‌های اشتباهات اقتصادی، کشور را به بیماری هلندی مبتلا می‌کند و هم در سال‌های تحریم و کمبود ارزی آتش کسری بودجه را شعله‌ور می‌سازد و ویرانی به‌بار می‌آورد. علاوه بر این سیاست‌های پرنوسان، غیرکارشناسی و خلق‌الساعه دولت‌ها در خصوص مدیریت ارزی و بازار ارز کلاف سردرگم دیگری شده است که باز کردن آن نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و مشورت گرفتن از متخصصان و فعالان بخش خصوصی است.

برای مثال ارز ترجیحی افتی است که سال‌هاست به دلیل سیاست‌گذاری‌های اشتباه حاکمیتی گریبان اقتصاد و صنعت کشور را گرفته است و به‌جز توزیع رانت، فساد، افزایش قاچاق، قیمت‌گذاری دستوری و کشتن انگیزه‌های کارآفرینان و تولیدکنندگان واقعی، حاصلی به‌همراه نداشته است؛ سیاستی که بهانه اجرائی شدن آن همیشه ثبات قیمت‌ها و حمایت از معیشت دهک‌های پایین جامعه بوده، ولی در عمل همیشه به تورم کالاهای اساسی دامن زده و اتفاقاً با ایجاد انحصار گرای به تلاطم بازار منجر شده است. اجرای این سیاست اشتباه ارزی در شرایطی ادامه دارد که تاکنون مقام‌معلم رهبری به دفعات بر ثبات‌بخشی به بازار ارز و اهمیت آن تاکید داشته‌اند که آخرین آن در دیدار با اعضای هیات‌دولت در شهریورماه صورت گرفت. ثبات‌بخشی به بازار ارز که یکی از مهم‌ترین خواسته‌های فعالان اقتصادی و بخش خصوصی به‌شمار می‌آید، به پیش‌بینی‌پذیر شدن بازار، رشد سرمایه‌گذاری، افزایش تولید و بهبود محیط کسب‌وکار منجر خواهد شد و دولت برای تحقق این مهم علاوه بر حذف کامل ارز ترجیحی، باید دست به جراحی اساسی در سیاست‌های ارزی بزند.

یکی از اقدامات مهمی که باید مورد بازبینی جدی قرار گیرد مسدودسازی معادل‌ریالی مبلغ ارزی مورد درخواست شرکت‌ها و عدم توانایی شبکه رسمی تأمین ارز در برآورده‌سازی نیازهای ارزی واردات است. این اتفاق منجر به اختلال در زنجیره تأمین و امکان برنامه‌ریزی مناسب بنگاه‌های اقتصادی نشده و این در حالی است که به‌تازم مرکز به‌تازگی، تخصیص ارز به شرکت‌های واردکننده‌ای را که قبل از تأمین ارز نسبت به خرید ارز از بازار آزاد اقدام می‌کنند، ممنوع کرده است. برای حل این مشکل ما معتقدیم تولیدکنندگان باید در اولویت‌های تأمین ارز قرار گیرند و امکان استفاده از واردات بدون انتقال ارز نیز احیا شود. این عیب است که در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که تأمین مواد اولیه و تجهیزات تولید در گروه‌های با اولویت پایین تخصیص ارز قرار می‌گیرند، آن‌هم در شرایطی که شعار سال که از سوی رهبر انقلاب تعیین شده است بر رشد تولید تاکید دارد.

هوشمندی سازی صنعت برق راهکاری برای افزایش امنیت شبکه

این روزها که بحث استفاده از هوش مصنوعی افزایش یافته، صنعت برق کشورمان هم در تلاش است با هوشمندسازی شبکه برق هم خدمت بهتری ارائه دهد و هم امنیت بیشتری ایجاد کند. این روزها بحث استفاده از هوش مصنوعی به بحثی داغ در همه محافل علمی تبدیل شده و هر روزه اخباری در این زمینه منتشر می‌شود. شبکه برق کشورمان هم برای آنکه از این بحث عقب نماند تلاش خود را به کار گرفته تا حرفی در این باره داشته باشد. هوشمندسازی صنعت برق یکی از مهم‌ترین اقدام‌هایی است که وزارت نیرو و شرکت مدیریت شبکه برق ایران آن را دنبال می‌کنند. هوشمندسازی شبکه برق هم ارائه خدمات را برای مصرف‌کنندگان آسان‌تر می‌سازد و هم افزایش امنیت شبکه را به دنبال دارد. استفاده از شمارگرهای هوشمند از جمله موارد مهم در هوشمندسازی شبکه برق محسوب می‌شود که هم به نفع شبکه و هم به نفع مشترکان است.

در همین زمینه، سخنگوی صنعت برق گفت: هوشمندسازی امن مهم‌ترین اقدام در حوزه پدافند غیرعامل است و توانستیم بیش از ۵۰ درصد مصرف برق مشترکان را به کنتره‌های هوشمند تجهیز کنیم و برنامه وزارت نیرو تجهیز بقیه مشترکان به کنتره‌های هوشمند برای در امان بودن از تخاصم دشمنان است. بر اساس اعلام شرکت مدیریت شبکه برق ایران، «مصطفی رجبی مشهدی» افزود: صنعت برق یکی از زیرساخت‌های اصلی کشور است که اگر در آن اختلالی ایجاد شود، مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نامانی برای کشور به دلیل اختلال در سایر زیرساخت‌های کشور که وابستگی به برق شبکه سراسری دارند تحمیل می‌شود.



برترین اخبار ایران و جهان

راهکارهایی برای آرامش ارزی



تغییر روسای کل بانک مرکزی در میانه بحران‌های ارزی در حالی رخ می‌دهد که بازار ارز در ایران طی سال‌های اخیر متأثر از سه تحول عمده بوده که هیچ‌یک از این عوامل در کنترل روسای کل بانک مرکزی نبوده است. تحول اول، کاهش میزان منابع ارزی حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی است. عمده‌تحت تاثیر تحولات حاکم بر سیاست خارجی ایران، میزان کل صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی در ایران از حدود ۶۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۶ به حدود ۲۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ و حدود ۲۸ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۰ کاهش یافت.

بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های دسترسی به منابع ارزی حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌ها به دلیل تحریم، طی این دوره سالانه بین ۲۵ تا ۴۲ میلیارد دلار از منابع ارزی کشور کاسته شده است. تحول دوم، خروج سرمایه از کشور عمدتاً ناشی از نبود چشم‌انداز بهبود شرایط اقتصادی و بدتر شدن نسبی آن در مقایسه با سایر کشورها حتی برخی از کشورهای همسایه است. یک شاخص نیابتی از خروج سرمایه، آمار بالای میزان خرید مسکن توسط ایرانیان در ترکیه است. طی سال‌های اخیر به‌صورت جمعی، ایرانیان مهم‌ترین خریدار ملک در ترکیه بوده‌اند. عامل سوم نیز وجود تفاوت تورم قابل توجه بین ایران و کشورهای طرف تجاری متأثر از سلطه بودجه‌ای دولت است که این نیز خود متأثر از اقتصاد سیاسی حاکم بر تنظیم بودجه‌های سنواتی در ایران است. در حالی که عوامل یاد شده هر سه منشأ سیاسی اعم از سیاست داخلی یا خارجی داشته‌اند، در واکنش به بحران ارزی و افزایش نرخ ارز در هر دو مقطع سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۴۰۱ پس از اتخاذ مجموعه‌ای از تصمیمات تجربه‌شده و ناکارآمد، در نهایت روسای کل بانک مرکزی از مسئولیت خود عزل شدند و افرادی جایگزین شدند که مشابه اسلاف خود نه تجربه‌ای در مدیریت بحران‌های ارزی داشته‌اند و نه حتی تخصص قابل‌ملاحظه‌ای در زمینه مدیریت بازار ارز. در کنار سلطه تصمیمات سیاسی بر عملکرد اقتصادی کشور و بازار ارز، محدودیت در منابع ارزی به عنوان مهم‌ترین قید محدودکننده در اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر باعث شده است سیاست تجاری عملاً به سازوکار تخصیص منابع ارزی به اولویت‌های وارداتی تبدیل شود و سیاست ارزی به‌معنای تعیین نرخ تعادلی ارز در اقتصاد کاملاً تحت‌سلطه سیاست تجاری قرار گیرد. انعکاس سلطه سیاست‌های تجاری بر سیاست‌های ارزی، تعیین نرخ دستوری نیما و وجود بازار چندنرخ ارز در ایران است. از این‌رو عملاً بازار ارز در ایران، زمین بازی سیاستمداران و سیاست‌گذاران تجاری بوده و بانک مرکزی ابزار و اختیارات کافی برای مدیریت کلان بازار به‌معنای ثبات‌بخشی و ایجاد تعادل در آن را ندارد. همه این محدودیت‌ها در شرایطی است که عوامل بنیادی به صورت فعالانه به قوت خود باقی مانده‌اند. به دلیل تفاوت قابل توجه تورم داخلی و خارجی این تفاوت در تورم باعث می‌شود به صورت مستمر میزان تقاضای واردات از میزان صادرات صورت گرفته بیشتر شده و تراز تجاری به سمت منفی شدن پیش برود.

همچنین با تشدید خروج سرمایه ممکن است نرخ نیما نیز موثر بودن خود را از دست بدهد و رفتار بانک مرکزی در قبال افزایش این نرخ نیز منفعلانه شود. بانک مرکزی آمار دقیق و روشنی از میزان تقاضای سفته‌بازی و تقاضای اسکانس بازار ارز در اختیار دارد. این آمار عملاً فشارسنج بانک مرکزی برای برآورد میزان تقاضای ارز است. بانک مرکزی باید با برآورد ذخایر و میزان توانایی مداخله در بازار ارز در یک افق زمانی میان‌مدت تا بلندمدت میزان حضور خود در بازار را تنظیم کند. این امر به ویژه با توجه به اینکه چشم‌انداز کنونی از وضعیت سیاسی کمبود منابع ارزی در ماه‌های پیش‌رو است، اهمیت بیشتری دارد و بانک مرکزی نباید حریصانه به دنبال کاهش نرخ مقطعی ارز از مسیر فروش و مداخله مستقیم باشد. بانک مرکزی از انجام اقدامات یا اظهارنظرهایی که می‌تواند اعتبار بانک مرکزی را در هدایت انتظارات مردم خدشه‌دار کند، پرهیز کند.

به عنوان مثال زمانی می‌توان از بازار آتی ارز صحبت به‌میان آورد که چشم‌انداز منابع ارزی مثبت بوده و اقتصاد با شوک‌های مختلف و سیستماتیک مواجه نباشد. در غیر این صورت بازار آتی، صف خرید خواهد بود و عملاً امکان بستن موقعیت‌های بازار وجود نخواهد داشت و بازار آتی فرو خواهد ریخت. به علاوه تعدد اظهارنظر در خصوص بازار ارز در شرایطی که امکانات کنترلی این بازار در اختیار نیست، گفتاردرمانی را بی‌اثر می‌کند.

منبع: فرهاد خان‌میرزایی دبیر اقتصاد

دست دولت پشت دلار گران



بازار ارز راه‌حل‌های عبور از بحران ارزی کنونی عنوان شده است.

نرخ ارز در نیم سال دوم روند صعودی به خود گرفت و در دو ماه اخیر با شتاب بیشتری مسیر صعودی خود را ادامه داد، تا جایی که در تاریخ هفتم اسفند ماه نرخ ارز در بازار غیررسمی به ۶۰ هزار تومان رسید. نوسانات نرخ ارز به دلایل مختلف از جمله اینکه این نرخ به صورت تاریخی لنگر اسمی انتظارات تورمی بوده و بسیاری از بازارهای دیگر را با بی‌ثباتی روبرو می‌سازد از اهمیت ویژه‌ای نزد افکار عمومی برخوردار است. از همین روست که بخش قابل توجهی از اقدامات دولت در ماه‌های گذشته معطوف به کاهش بی‌ثباتی ارز بوده اما این اقدامات برای کاهش نوسانات نرخ ارز نه‌تنها به کنترل نرخ ارز منجر نشد بلکه خود به عامل تشدید بی‌ثباتی بدل شد.

تغییر رئیس بانک مرکزی نیز نتوانست توفان ارز را مهار کند. تغییرات نرخ دلار به ریال در دو ماه تازه سپری شده و پس از روی کار آمدن رئیس تازه بانک مرکزی همچنان روندی فزاینده را تجربه کرد و در نیمه دوم اسفند ماه بود که برخی متغیرهای سیاسی روند افزایش قیمت دلار را کند کرد و تازه نرخ تبدیل دلار به پول ایران را تا اندازه‌ای کاهش داد. شهروندان ایرانی درست یا نادرست باور دارند افزایش قیمت دلار در بازار آزاد به سود دولت است زیرا دولت بالاترین ذخایر دلاری را دارد و به‌طور انحصاری در دادوستد این پول آمریکایی فعالیت دارد.

در حالی که دولت مردان در این مدت با رویکرد سرکوب سکوت، انکار و نسبت دادن وضعیت بازار ارز به عوامل بیگانه در تلاش بودند بر کج کارکردی‌های خود در زمینه سیاست‌گذاری ارزی سرپوش بگذارند، بازوی پژوهشی مجلس در گزارشی انتقادی ریشه اصلی بحران ارزی مدت اخیر را متوجه تصمیمات دولتی کرد. این مرکز پژوهشی با اشاره به تغییرات مکرر ایده‌های دولت در ماه‌های گذشته، سیاست تثبیت نرخ ارز را تکرار سیاست‌ها و اقدام‌های شکست خورده گذشته عنوان کرده که بر پیچیدگی شرایط بازار ارز افزوده است. از نگاه این مرکز تلاطم مسیر فعلی خود را در قالب تشدید مزاحمت تقاضا، افزایش نرخ، فاصله بیشتر نرخ رسمی و غیررسمی و مجدداً افزایش تقاضا در آینده نزدیک نشان خواهد داد.

بازوی پژوهشی مجلس با اشاره به تجربه ارز ۴۲۰۰ تومانی

تاکید کرده که عدم تغییر سیاست نادرست در همان ابتدا

و اصرار بر تداوم یک سیاست غلط، هزینه‌های

گزافی را در سال‌های آتی بر کشور تحمیل

خواهد کرد. از همین‌روست که

تجربه‌اندوزی دولت از اقدامات

چند ماه گذشته و تغییر

رویکرد در قبال

اسرار دلارشویی از عادل تا فرزین

خوش‌بینانه است و باید دنبال اسرار دلارشویی گشت. برخی پرسش‌ها را می‌توان طرح کرد تا اگر واقعا نهادی یا سازمانی یا پژوهشگری دنبالش بود، سرنخ را در دست بگیرد. اینکه امر اصلی در این باره کیست؟ آیا روسای جمهوری دستور داده و می‌دهند؟ آیا روسای بانک مرکزی این دستور و راهبرد فسادآلود و دلارشویی را می‌دهند؟ آیا نیرویی بیرون از اراده دولت بر ادامه این راهبرد آلوده اصرار دارد؟ نکته بعدی این است که باید معلوم شود در همین دوره آقای فرزین چه میزان یورو به متقاضیان داده شده است؟ نام و نشان آنها چیست؟ با توجه به اینکه دولت‌ها حالا برای ردگیری هر کار و فعالیتی سامانه راه می‌اندازند، آیا نظارتی وجود دارد که چه میزان یوروی ارزان و در کدام صرافی‌ها و به چه کسانی فروخته شده است؟ تصور کنید افراد یا نهادهایی همانطور که در خبرها می‌خوانیم کارت ملی اجاره می‌کنند و دلارهای ارزان در نهایت به چند نفر حقیقی و حقوقی می‌رسد. اسرار دلارشویی از عادل تا فرزین باید ریشه‌یابی شوند.

منبع: محمد صادق جنان صفت - روزنامه جهان صنعت

در حالی که دولت حسن روحانی انتظار می‌رفت این رخداد یعنی ارزپاشی ارزان اتفاق نیفتد، اما در این دولت نیز روسای بانک مرکزی دلارپاشی را در دستور کار قرار دادند و در حالی که قیمت هر دلار به‌طور مثال در بهار ۱۳۹۷ در بازار آزاد نزدیک به دو برابر دلار ۴۲۰۰ تومانی بود، دلار ارزان به بازار عرضه شد تا هرکس نتوانست برود و سود بالایی نصیبش شود؛ البته در اندازه کوچک. این روزها می‌شنویم و می‌بینیم بانک مرکزی فرزین و دولت سیزدهم نیز همان راهی را می‌رود که عادل، بهمنی و سیف رفتند و اتفاقاً استدلال فرزین و دولت سیزدهم نیز همان است که عادل گفت: مردم بدانند کشور دلار کم ندارد و دست بانک مرکزی پر و خزانه‌اش لبریز از دلار و یورو است و می‌تواند به هر کس که صبح زودتر بلند شد و صف گرفت، ارز ارزان بدهد.

واقعیت اما بدون تردید چیزی نیست که بر زبان می‌آید و بر قلم جاری می‌شود. خوش‌بینانه‌ترین تحلیل از این رفتار که حالا عمری ۳۰ساله دارد و در کارنامه ارزی کشور موجود است را می‌توان تحلیل ناکارآمد دانست. اما این تحلیل بسیار

نگارنده در دوره‌ای که محمدحسین عادل ریاست بانک مرکزی را در چنگ داشت در گفت‌وگویی با او به همراه همکارانم از او پرسیدیم در این وانفسای ارزی که ایران در پرداخت بدهی‌های خارجی در تله افتاده است، چرا در برابر هر شناسنامه به هر ایرانی ۵۰۰۰ دلار با تفاوت معنادار با دلار آزاد پرداخت می‌شود؟ پاسخ ایشان متعاقبانه نبود و بیشتر روی این مسئله تاکید داشت که مردم باید بدانند خزانه بانک مرکزی پر از اسکناس دلار است و چشم و دلشان سیر شود و به مرور بازار آزاد به قیمت مورد نظر بانک مرکزی برگردد. توضیح عادل اقتصاددانان را نیز متعاقب نکرد اما این اتفاق افتاد و کسی هم بازخواستی از وی نکرد. بعدها در دولت محمود احمدی‌نژاد نیز محمود بهمنی همین خطای عادل را با فروش دلار ۱۲۲۶ تومانی انجام داد و او هم همین استدلال را داشت. در همان دوره نیز ایران به مرور با تنگنای ارزی روبرو شد و دلارهای ارزان معلوم نبود واقعا از سوی چه کسانی و کدام سازمان‌ها خریداری شد. و البته هم معلوم نشد آقایان عادل و بهمنی چقدر دلار به بازار عرضه کردند.

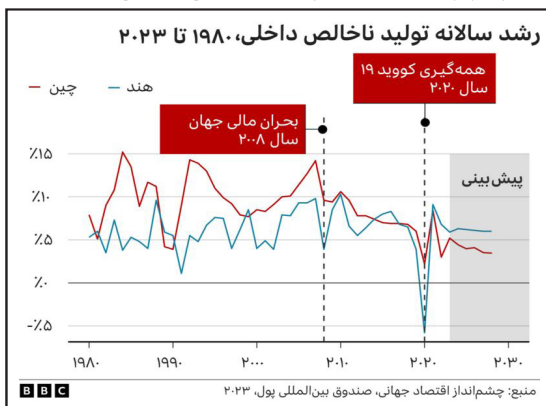
جمعیت هند از چین پیشی گرفت: آیا هند می‌تواند به یک ابر قدرت جهانی تبدیل شود؟

را می‌ترساند.

پروفیسور فریزر می‌افزاید: «این تصویری قرن نوزدهمی است که هر چه جمعیت شما بیشتر باشد، قدرتمندتر هستید» چنانکه عوامل متعدد دیگری وجود دارند. طبق آمار بانک جهانی، امروزه تنها نیمی از هندی‌های در سن کار (۱۴ تا ۶۴ سال) واقعاً مشغول به کار هستند یا به دنبال شغل می‌گردند.

در مورد زنان این میزان به ۲۵ درصد کاهش می‌یابد - که این رقم در چین ۶۰ درصد و در اتحادیه اروپا ۵۲ درصد است. اقتصاد چین پس از یک سری اصلاحات در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بیش از هر کشور دیگری رشد کرده است. اما ترکیبی از کووید، افزایش سن جمعیت و تنش‌های فزاینده با غرب، بر رشد این کشور تأثیر گذاشته است. رشد تولید ناخالص داخلی هند در حال حاضر سریعتر از چین است - و پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که این روند احتمالاً ادامه خواهد یافت.

نمودار رشد سالانه تولید ناخالص داخلی

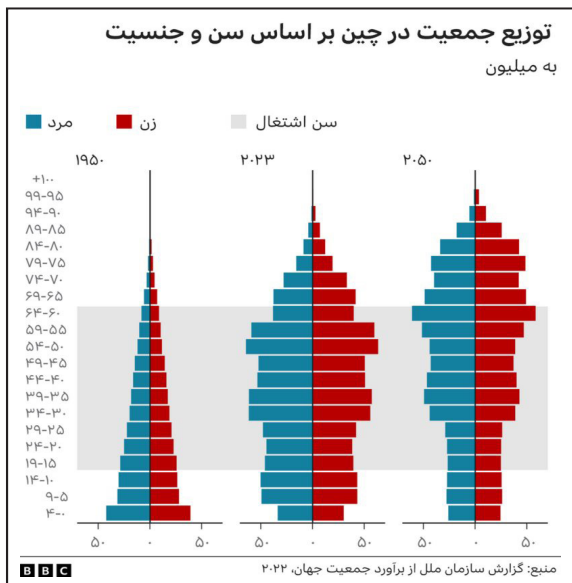


اما آیا نرخ رشد کندتر به این معنی است که چین موضوعیت خود را از دست خواهد داد؟ پروفیسور اسپنس می‌گوید: «گر چین تا سال ۲۰۳۰ یا ۴ یا ۵ درصد رشد کند، این یک دستاورد چشمگیر خواهد بود. مردم ممکن است فکر کنند که برای کشوری که رشد ۸ تا ۹ درصدی دارد، این کاهش بدی است، اما این واقعاً راه درستی برای فکر کردن در مورد آن نیست.» چین در حال حاضر بیشتر شبیه ایالات متحده است. ما هرگز با آن نرخ‌های ۸، ۹، ۱۰ درصد رشد نکرده‌ایم. آنها متکی به رشد بهره‌وری خواهند بود و من فکر می‌کنم که به دلیل سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در آموزش، علم و فناوری می‌توانند به آنجا برسند.»

توسعه نظامی چین

چین و هند هر دو قدرت‌های هسته‌ای هستند که به آنها موقعیتی راهبردی در صفحه شطرنج جهان می‌دهد. فدراسیون دانشمندان امریکایی تخمین می‌زند که زرادخانه هسته‌ای پکن ۲.۵ برابر بزرگ‌تر از زرادخانه دهلی نو است.

نمودار توزیع جمعیت در چین

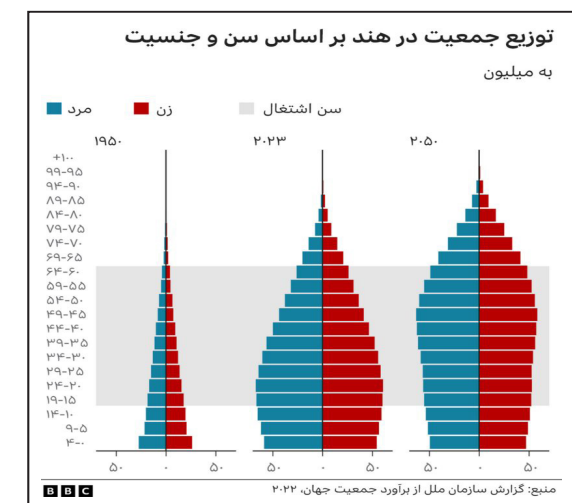


چین تقریباً ۶۰۰ هزار نفر بیشتر از هند در نیروهای مسلح دارد و به‌طور جدی در صنعت دفاعی خود سرمایه‌گذاری می‌کند.

پروفیسور فریزر می‌گوید: «هند به‌شدت به روسیه وابسته است و فناوری و تخصص را از روسیه وارد می‌کند، در حالی که شکی نیست که چین در حال انجام تحقیقات فراوان و توسعه بومی زیرساخت‌های نظامی بوده است.»

در حالی که چین مزیت آشکاری در بخش دفاعی دارد، در عوض هند رابطه بهتری با اروپا و ایالات متحده دارد که بیشتر قدرت نظامی جهان در آن‌جا است. پروفیسور فریزر می‌افزاید: «هند می‌تواند یک شریک راهبردی مهم در اقیانوس هند و آرام باشد، که دولت ایالات متحده در آن‌جا در حال ایجاد نوعی منطقه امنیتی در اطراف چین است که شامل نه تنها آسیای شرقی، بلکه آسیای جنوبی و نه فقط اقیانوس آرام غربی بلکه شامل اقیانوس هند هم می‌شود.»

نمودار توزیع جمعیت در هند



جایگزین‌های ژئوپلیتیکی

هند میزبان امسال اجلاس سران گروه ۲۰ است و آن را فرصتی

چین و هند بر روی نقشه کره زمین اثر هنرمند برنده جایزه ترنر مارک والینگ در سال ۲۰۲۲ در لندن به صورت وارونه دیده می‌شوند بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، هند با بیشترین میزان جمعیت از چین در این زمینه پیشی گرفته است.

آیا این کشور می‌تواند با همسایه قدرتمند خود به عنوان یک ابر قدرت جهانی برابری کند - یا حتی از آن پیشی بگیرد؟ چین همچنان از نظر اندازه اقتصادی، نفوذ ژئوپلیتیکی و قدرت نظامی به راحتی از هند پیشتر است. اما کارشناسان می‌گویند که این وضعیت رو به تغییر است. از دید مایکل اسپنس، برنده جایزه نوبل اقتصاد سال ۲۰۰۱، نوبت هند فرا رسیده است.

رییس و استاد دانشگاه استنفورد به بی‌بی‌سی می‌گوید: «هند به چین خواهد رسید. اقتصاد چین کند خواهد شد و اما برای هند چنین نخواهد شد.»

رهبران فرانسه و بریتانیا هنگام معرفی طرح سرمایه‌گذاری جهانی حضور نداشتند ولی کشورهای آنها هم در این طرح شرکت دارند. اما چالش‌هایی در پیش است.

چین دومین اقتصاد بزرگ جهان را دارد که تقریباً پنج برابر بزرگ‌تر از اقتصاد هند است که در رتبه پنجم قرار دارد. هند با داشتن یک طبقه متوسط نسبتاً کوچک، به سرمایه‌گذاری عظیمی در آموزش، استانداردهای زندگی، برابری جنسیتی و اصلاحات اقتصادی نیاز دارد تا شاهد رونق «به سبک چینی» باشد. و ابر قدرت جهانی بودن فراتر از جمعیت و اقتصاد است و به قدرت ژئوپلیتیکی و نظامی بستگی دارد - و هند در این حوزه‌ها بسیار عقب است.

قدرت نرم نیز نقش کلیدی دارد. صنعت فیلم بالیوود هند در تبلیغ این کشور در سطح بین‌المللی - و شکستن رکوردها در نتفلیکس - بسیار موثر است.

اما پس از آن، به اصطلاح چایناوود وجود دارد: صنعت فیلم‌سازی قدرتمند خود چین که به سرعت رشد می‌کند و برای اولین بار عنوان عنوان پرفروش‌ترین فیلم را در سال ۲۰۲۰ از هالیوود ربود و این کار را دوباره در سال ۲۰۲۱ انجام داد. امروزه ۸۶ هزار نوزاد هر روز در هند به دنیا می‌آیند که این عدد برای چین ۴۹۴۰۰ نوزاد در روز است. با نرخ باروری پایین چین، جمعیت این کشور رو به کاهش است و قرار است تا پایان این قرن به زیر یک میلیارد نفر برسد.

سازمان ملل می‌گوید جمعیت هند تا سال ۲۰۶۴ به رشد خود ادامه می‌دهد و از ۱.۴ میلیارد فعلی به ۱.۷ میلیارد در سال ۲۰۶۴ افزایش خواهد یافت. این امر به هند «سود جمعیتی» می‌دهد - اصطلاحی که به رشد سریع اقتصادی به لطف افزایش جمعیت در سن کار اشاره دارد.

پروفیسور مارک فریزر، مدیر موسسه هند چین در نیو اسکول در نیویورک می‌گوید: «اصلاحات افزایشی در دهه ۱۹۹۰ در هند اکنون به بار نشسته است. اما اینکه این نیروی کار تا چه حد تحصیل کرده، سالم، متخصص و قادر به کمک به اقتصاد خواهد بود، واقعاً مهم است.» علی‌رغم جذب شرکت‌های چندملیتی بزرگی مانند اپل و فاکس کان در ماه‌های اخیر، بوروکراسی داخلی و بی‌ثباتی هند که ناشی از تغییرات مکرر سیاست‌ها است، سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی

دشمنان آزادی از نگاه غنی‌نژاد



دشمنان آزادی بر دو گونه‌اند: خودکامگان و فرومایگان. خودکامگان با آزادی دیگران دشمنی می‌ورزند و مایل‌اند اراده مختار خود را بر همگان تحمیل کنند. خودکامه خود را برتر از همه می‌داند، از این رو آزادی را صرفاً برای خود می‌خواهد و بسا هرگونه حاکمیت قانون مخالفت می‌کند چون قانون محدودکننده قدرت نا محدود است. می‌توان گفت بدترین دشمن آزادی بیشترین تمنای اراده آزاد را برای خود دارد، تمنایی که تحقق آن عملاً به بردگی دیگران می‌انجامد. گونه دوم دشمنان آزادی سلفه‌ها یا فرومایگان هستند. بی‌مایگان، ترسوها و تنبل‌ها از آزادی بیزارند زیرا در وضعیت آزادی که قانون حکم می‌راند و قواعد همه شمول بر کردها و اراده‌های انسان‌ها حاکم است، زندگی اجتماعی عرصه رقابت‌ها و پیکارهای بی‌پایان با نتایج نامعلوم است. وضعیت مورد پسند بی‌مایگان زبون، وضعیت انحصاری است که در آن دست یافتن به امتیازات و مدارج موفقیت، فارغ از رقابت و بدون شایستگی، به صرف چاپلوسی و اظهار بندی امکان‌پذیر است. رقابت وجه مهمی از زندگی اجتماعی انسان‌ها در وضعیت آزادی است، بنابراین، آنهایی که استعدادی در خود سراغ ندارند تا در میدان رقابت عرضه نمایند از آزادی گریزانند.

آنها که از نتیجه نامطمئن رقابت ترس دارند تلاش می‌کنند از ورود آزادانه دیگران به عرصه فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی جلوگیری کنند و خود یکه‌تاز میدان باشند. آنها ترجیح می‌دهند قهرمان مسابقات بدون رقیب و پیکارهای انجام نیافته باشند! فرومایگان همیشه از انحصارهای سیاسی و اقتصادی حمایت می‌کنند زیرا تنها از این طریق است که می‌توانند به امتیازاتی که شایستگی آن را ندارند دست یابند و حفظ کنند. بی‌دلیل نیست که فرومایگان جذب مناطبات خودکامگان می‌شوند و به ناگزیر اینها را از وجود شایستگان محروم می‌سازند. فرومایگان و خودکامگان مکمل هم‌اند، هر دو گروه با آزادی دشمنی می‌ورزند اما با دو انگیزه متفاوت.

منبع - صفحه تلگرامی موسی غنی‌نژاد

مهارت‌ورم با بازی‌های سیاسی ممکن نیست

به تحقیق سریع شعار سال خوش‌بین هستند، اما از دید کارشناسان وعده مهار تورم بدون فراهم کردن الزامات آن همچون همیشه بایگانی می‌شود و گرانی بار دیگر معیشت خانوارهای ایرانی را هدف قرار می‌دهد. اما چرا دولت در زمینه کنترل تورم موفق عمل نکرد؟ الزامات و پیش‌نیازهای تحقق شعار مهار تورم در اقتصاد ایران چیست؟ اینها سوالاتی است که هادی صالحی اصفهانی، اقتصاددان و استاد اقتصاد دانشگاه ایلینویز آمریکا در گفت‌وگوی با یکی از رسانه‌های ایران داشته است. داوری وی را در ادامه می‌خوانید:



مقام‌های سیاسی در ایران مقوله تورم را ساده می‌گیرند و به این دلیل که از افراد پردرآمد به حساب می‌آیند فشار سرچشمه گرفته از افزایش قیمت کالاها را در ک نمی‌کنند. اما شهروندان ایرانی به ویژه مزد و حقوق‌بگیران فشار روزافزون تورم ۴۰ درصدی در ۵ سال تازه سپری شده را بر زندگی خود می‌فهمند و می‌دانند با کاهش قدرت خریدشان چه بر سر خانواده می‌آید. از سوی دیگر نگاه‌های تولیدی نیز با نرخ‌های شتابان تورم با دردهای بزرگ روبه‌رو شده‌اند. آنها از یک سو زیر تیغ دولت قرار دارند که باید قیمت‌گذاری دستوری را اجرا کنند و از سوی دیگر با کاهش قدرت خرید شهروندان روبه‌رو هستند که فروش را در داخل با ناطمینانی روبه‌رو می‌کند. اقتصاددانان نیز باور دارند نرخ تورم شتابان بنیان‌های اقتصاد کلان را از تعادل خارج می‌کند و روند کاهنده سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌کند. اقتصاددانان باور دارند نرخ تورم بالا در یک دوره طولانی نقش همان ابرتورم را بازی می‌کند که به فرار سرمایه و کاهش درآمد ملی و کوچک شدن اقتصاد منجر می‌شود. جامعه‌شناسان نیز باور دارند نرخ تورم شتابان و عقب ماندن نرخ رشد درآمد از تورم خانواده را در ایران سست می‌کند و بر ابعاد جرم و بزه می‌افزاید. به همین دلیل است که اقتصاددانان ایرانی در داخل و خارج از کشور به دولت هشدار می‌دهند با کنار گذاردن بازی‌های سیاسی راهی برای مهار تورم بیابند.

در ایران تقریباً دو سال از شروع به کار دولت سیزدهم می‌گذرد؛ دولتی که با وعده‌های فراوان بر سر کار آمد اما همه تیرهای سیاست‌گذاری‌اش به خطا رفت تا فرمان عقبگرد اقتصادی زیر سایه دستورات سیاسی وی صادر شود. از میان وعده‌های رنگارنگ دولتی اما وعده کاهش

نگاهی تاریخی به تورم

تورم در حقیقت نتیجه تقاضای زیاد برای تولید است. به عبارتی تورم هم می‌تواند به دلیل تقاضای زیاد به وجود آمده باشد و هم می‌تواند ناشی از کمبود تولید و شوک منفی طرف عرضه اقتصاد باشد. در دوره‌های مختلف عوامل گوناگونی بر نرخ تورم اثر می‌گذارند. برای مثال در سال‌های پیش از انقلاب هیچگاه شوک منفی طرف عرضه اتفاق نیفتاد. هرچند در برخی دوره‌ها شاهد کمبود عرضه نسبت به تقاضا بوده‌ایم اما کاری که دولت شاه انجام داد این بود که تقاضا را بعد از افزایش قیمت نفت به میزان زیادی بالا برد آن هم با وجود محدودیت‌هایی که در حوزه زیرساخت‌ها مانند زیرساخت‌های بندر وجود داشت. این افزایش تقاضا باعث افزایش واردات شد و ضعف زیرساخت‌های حوزه بندر باعث می‌شد که کالاها در بندر بماند و وارد چرخه اقتصادی کشور نشود. به عبارتی دقیق‌تر می‌توان گفت که دولت هزینه زیادی صرف واردات کالا می‌کرد اما در مقابل این هزینه‌های کلان کالایی وارد چرخه اقتصادی کشور نمی‌شد و در نتیجه به تقاضای موجود در اقتصاد پاسخ داده نمی‌شد و تورم شکل می‌گرفت. بنابراین در بعضی از دوره‌ها دلیل اصلی ایجاد تورم به هم خوردن تعادل عرضه و تقاضا بوده است اما به نظر می‌رسد عامل اصلی ایجاد تورم در ۴۴ سال اخیر ضربه‌هایی بوده که به طرف عرضه اقتصاد وارد شده است. به عبارتی سیاست‌های دولت‌ها موجب شده که عرضه محدود شود و قیمت‌ها بالا برود. عامل مهم دیگری که از طریق ایجاد تقاضا قیمت‌ها را بالا برده نیز انتظارات تورمی بوده است. وقتی جامعه به این نتیجه می‌رسد که دولت نمی‌تواند قیمت‌ها را کنترل کند ذهنیت افزایش قیمت



برای معرفی خود به ۸۵ درصد از ثروت جهانی می‌بیند که در مجموعه‌ای از جلسات بر سر میزهای این اجلاس نشسته‌اند.

در حالی که روابط پکن با قدرتمندترین کشورهای جهان از زمان ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در ایالات متحده به‌طور فزاینده‌ای آسیب دیده است، چین شریک اقتصادی اصلی بیش از ۱۲۰ کشور، از روسیه و آفریقای جنوبی گرفته تا عربستان سعودی و اتحادیه اروپا است.در کنار طرح بلیون دلاری زیرساختی کمربند و جاده، این امر اهرم نفوذ سیاسی چین در خارج است.

در حالی که غرب هند را یک شریک ژئوپلیتیکی کلیدی می‌داند، پکن یکی از پنج کرسی شورای امنیت سازمان ملل را دارد، به این معنی که تقریباً در مورد هر تصمیم مهم جهانی که این سازمان می‌گیرد، اختیار تصمیم‌گیری - و وتو - دارد.



این وضعیتی است که هند و دیگر اقتصادهای نوظهور دهه‌ها در

در بین افراد تقویت می‌شود. در این شرایط فروشنندگان به این موضوع می‌اندیشند که اگر امروز کالاهایم را با قیمت بالاتری بفروشیم در آینده‌ای نزدیک قادر خواهیم بود همین کالاها را با نرخ‌های بالاتری به فروش برسانیم. در این بین خریدار نیز که نگران افزایش قیمت در آینده است مصرف کنونی‌اش را بالا می‌برد و بیشتر خرج می‌کند. بنابراین باید گفت که انتظارات تورمی نقش مهمی در افزایش تورم دارند. در اقتصاد ایران و در دوره‌های مختلف دولتمردان برنامه‌ها و وعده‌های بسیاری را مطرح کرده‌اند که باعث شکل‌گیری انتظارات برای افزایش تقاضا شده و چون این باور وجود داشته که دولت نمی‌تواند عرضه را به اندازه تقاضا بالا ببرد در نتیجه قیمت کالاها بالا رفته است.

درباره بیماری هلندی

به‌طور کلی بیماری هلندی باعث ایجاد تورم نمی‌شود و حتی می‌تواند زمینه‌ساز کاهش قیمت‌ها شود. این بیماری زمانی اتفاق می‌افتد که میزان دسترسی کشور به ارز خارجی از طریق صادرات محصولات و مواد خام به یک باره بالا می‌رود و دولت این درآمد‌ها را به سرعت خرج می‌کند. از آنجا که درآمد ارزی زیادی عاید کشور می‌شود ارزش ریال در برابر دلار تقویت می‌شود و در نتیجه واردات کالا به جای تولید صرفه اقتصادی بیشتری پیدا می‌کند. اتفاقی که در ایران افتاد این بود که ارز زیادی در دوره‌های یادشده وارد کشور شد اما چون محدودیت‌های زیادی در حوزه زیرساخت‌ها وجود داشت و دولت نیز بخش زیادی از این منابع ارزی را برای هزینه‌های جاری‌اش خرج می‌کرد تقاضا به یک باره رشد کرد در حالی که تولید قادر نبود به میزان تقاضای ایجادشده بالا برود و این مساله در نهایت باعث افزایش تورم شد.در نیمه دوم سال ۸۰ نیز اتفاق مشابهی افتاد که موجب شد تورم در مدتی کوتاه کاهشی شود. در این دوره حتی تورم

تلاش برای تغییر آن بوده‌اند، اما موفقیتی نداشته است.

پروفسور فریزر می‌گوید: «من روی یک ترکیب جدید از اعضای دائمی شورای امنیت شرط‌بندی نمی‌کنم، اگرچه همه ما می‌دانیم که منطقی نیست که فاتحان درگیری که در سال ۱۹۴۵ به پایان رسید همچنان نظم امنیتی جهانی را اداره کنند.»

پروفسور مایکل اسپنس موافق است.

«قدرت رأی دیگر هیچ ارتباطی با اندازه و نفوذ اقتصادی ندارد. بنابراین در یک مقطع یا جهان این نهادها را اصلاح خواهد کرد، یا اهمیت آنها از میان خواهد رفت، زیرا جایگزین‌هایی ایجاد خواهند شد.»

در حال حاضر، جایگزین اصلی بریکس نام دارد – گروهی که برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی برای مقابله با نفوذ اقتصادی و ژئوپلیتیکی شمال جهانی تشکیل داده‌اند.

قدرت نرم

چایناوود: سینماهای چین در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ از بازار فیلم ایالات متحده امریکا بهتر عمل کردند

یک قرن پیش،هالیوود سینما را به ابزاری قدرتمند برای صدور ارزش‌ها و تأثیر امریکا تبدیل کرد. چین و هند با موفقیت از این راهبرد پیروی کرده‌اند. در چین، تعداد سینماها از سال ۲۰۰۷ تاکنون ۲۰ برابر شده و به بیش از ۸۰ هزار سینما رسیده است (در مقایسه با

۴۱ هزار سینما در ایالات متحده و ۹۳۰۰ سینما در هند). وندی سو،

.....

شانه‌هایی برای گریه کردن

شانه مردم این روزها گرانی‌گاه اصلی تصمیم‌های غلط در دیپلماسی و اقتصاد است. هر تصمیمی در کشور ما به جای اینکه رفاه مردم را در نظر بگیرد، سختی کشیدن مردم را مدنظر قرار می‌دهد. انگار مردم ما لایق رفاه نیستند که از تریبون‌ها مدام درباره قدسی بودن ریاضت سخن می‌گویند. اگر تحمل خوب است، چرا سیاستمداران تحمل نمی‌کنند و چرا سنگینی بار را روی دوش مردم می‌اندازند؟ می‌خواهند بگویند تحریم‌های غرب بی‌اثر است اما تحریم را از طریق سیاست‌گذاری درست خنثی نمی‌کنند. می‌خواهند بگویند تحریم‌های آمریکا نمی‌تواند ما را از پا بیندازد اما راستش را بخواهید آنها را از پا نینداخته اما ما را زمین‌گیر کرده است. یک مقام ارشد دولت دوازدهم نقل می‌کرد که در سال ۱۳۹۸ به مقامات وزارت امور خارجه گفته بودند دو سال زمان دارد تا مجدداً پرونده هسته‌ای را به سرانجام برساند. به این معنی که تشدید فشار به مردم بیش از این زمان به صلاح نیست و جامعه دیگر تاب و توان تحمل فشار بیشتر را ندارد. در زمستان ۱۳۹۹ برجام داشت به سرانجام می‌رسید اما مصوبه مجلس شورای اسلامی این اجازه را نداد و مانع امضای مجدد آن شد. هیچ‌کس نپرسید نمایندگان مجلس چرا در برابر برجام ایستادند و مانع توافقی

شدند که به سود مردم است. از آن زمان تا امروز جامعه چقدر از رفاه خود را از دست داده است؟ چقدر تورم به جامعه تحمیل شده و مردم چقدر آزادی انتخاب خود را از دست داده‌اند؟ همه اینها شاید ریشه در عدم استقلال وزارت امور خارجه دارد و اینکه ماموریت این دستگاه، توسعه روابط بین‌الملل نیست و در اغلب مواقع، کارمندان این وزارتخانه حقوق می‌گیرند که روابط مردم را با جهان محدود کنند تا اینکه روابط ما را با دیگر کشورها تسهیل کنند. در چند دهه گذشته خیلی کم پیش آمده که سیاست خارجی در خدمت اقتصاد قرار گیرد، به همین دلیل هر سال که می‌گذرد، بازارهای خود را از دست می‌دهیم و بازار تازه‌ای هم به دست نمی‌آوریم. در اقتصاد هم بار اصلی روی شانه‌های مردم است. مالیات را مردم می‌دهند اما نهادها و سازمان‌ها از پرداخت آن طفره می‌روند. درآمد مردم را نصف تورم افزایش می‌دهند اما بودجه حامیان را ۱۰ درصد بیشتر از تورم تصویب می‌کنند. این تفکر چاره کار را در حل مسئله نمی‌بیند اما حاضر است کرامت مردم را با سهمیه‌بندی و کوپنی کردن اقتصاد خدشه‌دار کند. خلاصه اینکه در همه زمینه‌ها سنگینی بار روی شانه مردم است. این شانه‌ها باید آزاد باشند و برای رشد و توسعه کشور به کار افتند اما سنگینی همه کارهای غلط نظام حکمرانی روی دوش مردم قرار گرفته است.

منبع: صفحه تلگرامی محسن جلالپور

این انتظار که دولت سیاست‌های قبلی خود را ادامه دهد وجود نداشت. یکی، دو سال سرمایه‌گذاری از سوی شرکت‌های بزرگ تداوم پیدا کرد اما بعد از مدتی این شرکت‌ها نیز متوجه شدند که بی‌ثباتی در راه است و دولت ناچار به کنترل تورم است و همین نگرانی باعث کاهش تدریجی سرمایه‌گذاری شد، به‌طوری که از آن زمان به بعد سرمایه‌گذاری در ایران تقریباً صفر بوده است.

تورم از ۱۳۹۷ تا امروز

هرچند همه عوامل بازگشته در افزایش تورم در اقتصاد ایران دخیل هستند اما اگر بخواهیم علت‌العلل اصلی این مساله در چند سال اخیر را بیان کنیم باید آن را انتظارات تورمی ناشی از عدم اعتماد به سیاست‌گذاری‌های دولت بدانیم. این مساله ریشه در ساختار اجتماعی– سیاسی ایران دارد. واقعیت این است که دولت برای حفظ جایگاه خود در میان طرفدارانش به آنها امکانات می‌دهد و منابعی که دارد را در اختیارشان می‌گذارد. به عبارتی دولت برای این گروه از اقشار جامعه هزینه می‌کند تا حمایت آنها را جلب یا مخالفت آنها را به حداقل برساند. در این شرایط حتی اگر دولتمردان بخواهند تقاضا را کنترل کنند وقتی با اعتراضات معلمان و بانزنگستان مواجه می‌شوند، عقب‌نشینی می‌کنند و به خواسته‌های این افراد جامه عمل می‌پوشانند. به این ترتیب به افزایش حقوق و دستمزد این افراد تن می‌دهند و تورم در اقتصاد ایران ادامه پیدا می‌کند. دلیل این مساله نیز این است که دولت بیشتر از توان و امکاناتی که در اختیار دارد هزینه می‌کند.

وقتی انتظارات تورمی وجود دارد قیمت‌ها در اقتصاد بالا می‌رود و این مساله به دولت و بانک مرکزی فشار وارد می‌کند که پول بیشتری هم در اختیار ابواب جمعی‌شان و هم مخالفان‌شان قرار دهند. از این جهت می‌توان گفت که ریشه تورم و انتظارات تورمی به ساختار سیاسی–اجتماعی

اقتصاد ایران برمی‌گردد. عامل کلیدی دیگر که به همین ساختار یادشده برمی‌گردد حضور افراد غیرمتخصص در عرصه تصمیم‌گیری اقتصادی است. دولت برای اینکه بتواند تورم را کنترل کند باید افرادی را در اختیار داشته باشد که از توانایی علمی بسیار بالایی برخوردار باشند و بتوانند فرصت‌ها و هزینه‌ها را تشخیص بدهند. برای مثال وقتی دولت تصمیم می‌گیرد که حقوق کارمندان را ۲۰ درصد بالا ببرد، این افراد اگر به این نتیجه برسند که این افزایش در دستمزد بی‌نتیجه خواهد بود به دنبال راه‌های جایگزین خواهند رفت. اما در ساختار نظام تصمیم‌گیری کنونی اقتصاد ایران رویکرد افراد متخصص این است که دستمزد‌ها را بالا می‌بریم تا ببینیم در آینده چه پیش می‌آید. سال گذشته نیز این اتفاق افتاد و دولت تلاش کرد تا جای ممکن حقوق‌ها را بالا ببرد که پایه اجتماعی ضعیف نشود. مدیریت این پرداخت‌ها و تقاضای کل نیازمند کسانی است که هم اقتصاد بدانند و هم شرایط کشور را بشناسند و هم از استقلال کافی برخوردار باشند تا بتوانند سیاست‌های اقتصادی مدنظرشان را به مرحله اجرا برسانند.

تورم و حاکمیت

واقعیت این است اقتصاد ایران با محدودیت‌های بسیاری از قبیل عدم اعتماد، سرمایه‌گذاری پایین و محدودیت دسترسی به بازار نفت و کاهش درآمد ارزی روبرو است. این مساله باعث شده است که درآمد سرانه به دلیل محدود شدن تولید در سایه افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی به پایین‌ترین سطح خود برسد. تورم نمودی از پایین رفتن درآمد سرانه است و دعوا بر سر این است که چه کسی باید این هزینه را بپردازد. بعضی از شرکت‌های بزرگ و بخش‌هایی از جامعه که قادر به قیمت‌گذاری کالاهای در اختیارشان هستند سعی می‌کنند با سرعت بالا قیمت اجناس‌شان را بالا ببرند تا از قافله عقب نمانند.

عامل مسلط تامین نیازهای ارزی ایران چیست؟ (تراز پرداختها طی ۹ ماهه ۱۴۰۱)



صادرات کالایی در نه ماهه ۱۴۰۱ مجدداً افزایش یافت و به ۵۷ درصد نزدیک شد بالاترین رقم طی سه سال گذشته و در مقابل سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات کالایی به ۴۳ درصد تنزل یافت همچنین طی مدت مورد بررسی در بخش حساب کالایی، کسری تراز کالایی غیرنفتی با افزایش ۳۱ درصدی به منفی ۲۱ میلیارد دلار رسید.

در این گزارش تراز حساب جاری ایران با اقتصادهای مهم صادرکننده نفت منطقه خاورمیانه نیز مقایسه شده است. انتظار می‌رود با وجود افت بهای نفت در سال جاری تراز حساب جاری اقتصادهای صادرکننده نفت منطقه مزبور (البته به استثنای ایران در سال ۲۰۲۳ نیز مشابه سال قبل همچنان در سطحی بالاتر از میانگین ۲۰ ساله ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۹ قرار داشته باشد).

چکیده

طی نه ماهه نخست سال ۱۴۰۱ اقتصاد ایران شاهد بهبود حدود ۵ میلیارد دلاری موازنه کل تراز پرداختها ناشی از افزایش حدود ۱۴ میلیارد دلاری صادرات کالایی نفتی در مقایسه با مدت مشابه سال ۱۴۰۰، به عنوان عامل مسلط این اتفاق بود. طی مدت مورد بررسی حساب جاری به دلیل افزایش توام صادرات کالایی نفتی و غیرنفتی با بهبود ۹۳ درصدی همراه شد. در مقابل حسابهای سرمایه و خدمات هر دو و با شدت بیشتر برای حساب سرمایه، تضعیف شدند و به ترتیب به حدود منفی ۱۶ میلیارد دلار و منفی ۵ میلیارد دلار رسیدند.

به علت سرعت بالاتر رشد صادرات نفتی سهم صادرات نفتی از کل

موازنه کل پرداختها

بر اساس تعاریف صندوق بین‌المللی پول، تراز پرداختها یک خلاصه گزارش آماری است که مبادلات خارجی یک اقتصاد را در یک دوره زمانی، مشخص می‌کند و شامل حساب کالا و خدمات، حساب درآمد، حساب مالی یا نقل و انتقالات جاری و حساب سرمایه می‌شود. در گزارش تراز پرداختهای بانک مرکزی، ترازپرداختها برآیند حساب جاری، حساب سرمایه و اشتباهات و از قلم افتادگی‌ها است.

طی دوره ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰، بهترین موقعیت موازنه کل پرداختها مربوط به سال ۱۳۹۷ با رقمی نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار بوده است.

موازنه تراز پرداختهای کشور طی نه ماهه سال ۱۴۰۱ معادل ۲۹ میلیارد دلار برآورد شده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که رقمی منفی بود، با بهبود ۵ میلیارد دلاری همراه است. عامل مسلط اثرگذار بر بهبود مزبور، افزایش ۵۱ درصدی صادرات نفتی در همین مدت بوده که در ادامه گزارش به جزئیات آن اشاره شده است.

رشد نقدینگی مانع رشد طبیعی نرخ ارز شده است



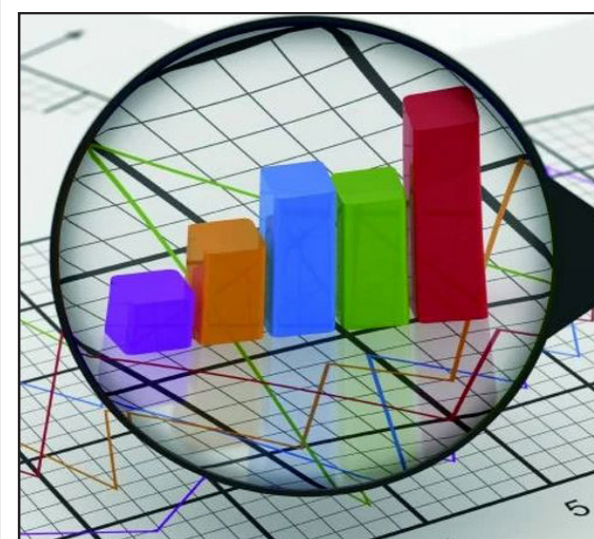
رئیس کل اسبق بانک مرکزی هزینه‌های دولت و کسری بودجه را ریشه اصلی تورم و افزایش نرخ ارز دانست و گفت: رشد نقدینگی مانع رشد طبیعی نرخ ارز شده است.

به گزارش تسنیم، طهماسب مظاهری رئیس کل اسبق بانک مرکزی در مصاحبه با رادیو درمورد فضای ملتهب ارزی در کشور اظهار کرد: به مرور که نقدینگی افزایش پیدا کند و تولید ناخالص داخلی هم رشد نکند، قیمت واقعی و اقتصادی ارز مانند قیمت سایر کالاها بالا خواهد رفت. وی افزود: دولت به خاطر چاپ پول، قیمت ارز را سرکوب می‌کند و اجازه نمی‌دهد که قیمت ارز به مرور به عدد واقعی خودش برسد در نتیجه نرخ ارز به جایی می‌رسد که نهایتاً از کنترل دولت خارج شده و جهش پیدا می‌کند.

رئیس کل اسبق بانک مرکزی با تأکید بر اینکه دولت و بانک مرکزی باید رشد نقدینگی را کنترل کنند گفت: اگر رشد نقدینگی کنترل شود قیمت ارز بالا نخواهد رفت و به صورت عادلانه و طبیعی رشد خواهد کرد. مظاهری معتقد است ریشه اصلی مشکلات به هزینه‌های دولت و کسری بودجه دولت برمی‌گردد که برای تأمین آن به روش‌های مختلف متوسل می‌شود و هر روشی هم که انتخاب می‌کند تورم زاست. وی متذکر شد: زمانی که دولت قبول کند هزینه‌های خود را با درآمدها تنظیم و متعادل کند و کسری بودجه را کاهش دهد استفاده از منابع بانک مرکزی و پول پر قدرت هم برای تأمین منابع مورد نیاز کاهش پیدا می‌کند.

مظاهری افزایش رشد اقتصادی را به عنوان راهکار دیگر مطرح کرد و گفت: وقتی رشد اقتصادی حدود ۳ درصد و در برخی سالها منفی بوده و از طرفی رشد نقدینگی ۳۰ درصد بوده طبیعی است که تورم هم افزایش پیدا خواهد کرد. رئیس کل اسبق بانک مرکزی تصریح کرد: هیچ کسی نمی‌تواند قیمت واقعی ارز را اعلام کند چون در این صورت قیمت بالاتر از آن خواهد رفت لذا قیمت را باید خود بازار تنظیم کند و از طرفی دولت هم باید شرایط کسب و کار و تولید را طوری فراهم کند که رشد اقتصادی بالا برود و رشد نقدینگی هم کنترل شود.

مظاهری متذکر شد: اگر دولت خیلی جدی جلوی نرخ ارز را بگیرد نرخ ارز در بازار آزاد خیلی بالاتر خواهد رفت و این رشد قیمت به سمت کالاهای دیگر مانند خودرو سرازیر می‌شود و منجر به قیمت‌های نجومی خواهد شد همچنانکه الان هم خودرو ابزاری برای حفظ ارزش پول شده است.



مهارت تورم با بازی‌های سیاسی ممکن نیست

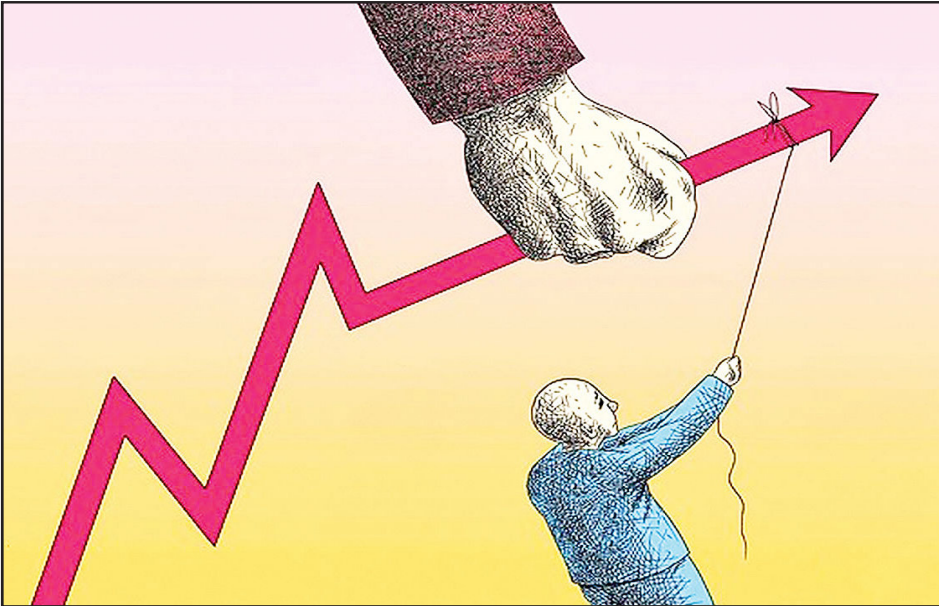
نیفتد سناریوی تورمی اسفند ماه سال گذشته که قیمت‌ها به یک باره جهش کرد اتفاق می‌افتد و این یعنی تداوم شرایط تورمی و زمینه‌سازی برای رشد دوباره قیمت دلار.

ما می‌دانیم که قیمت بنزین در اقتصاد ایران طی سه سال و نیم اخیر ثابت باقی مانده است و قیمت واقعی بنزین در ایران در مقایسه با تورم بسیار پایین است. ما می‌دانیم که دولت کنونی ناچار خواهد شد دست به اصلاحات قیمتی در حوزه انرژی بزند اما بالا رفتن قیمت بنزین زمینه تورم آینده می‌شود. دولت ممکن است بگوید که قیمت را بالا می‌بریم و مابه‌التفاوت آن را به شکل نقد به مردم می‌پردازیم. این مساله نیز تورم‌زاست، ضمن اینکه مردم به این آگاهی رسیده‌اند که بالا رفتن قیمت یک کالا به معنای این است که تورم آتی بالاتر خواهد بود و کمک مالی دولت در صورت اصلاح قیمت انرژی به همان سرنوشت یارانه ۴۵ هزار تومانی دچار می‌شود. بنابراین موضوع اعتماد نقش اساسی را در کنترل تورم بازی می‌کند. تأثیری که بی‌اعتمادی روی مردم می‌گذارد این است که هر یک از گروه‌های جامعه در تلاش برای بالا بردن سهم خود از کیک اقتصادی کشور خواهند بود که بسیار کوچک شده است. از سوی دیگر هیچ نشانه‌ای از افزایش تولید هم در اقتصاد دیده نمی‌شود تا قیمت‌ها کمتر از دستمزدها بالا برود و درآمد واقعی رشد کند. هرچند به دلیل بهبود روابط سیاسی ایران با برخی از کشورها از جمله عربستان می‌توان مقداری خوش‌بین بود اما مساله اصلی تجارت خارجی ایران است و هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه روابط تجاری ایران با غرب تقویت شود دیده نمی‌شود.

مزدبگیران

این مساله باید بر اساس اینکه دولت در گذشته چه وعده‌ای داده و چه میزان از این وعده عملیاتی شده بررسی شود. چنانچه دولت نزد مردم اعتبار داشته باشد و بتواند به وعده‌هایش عمل کند، می‌تواند به راحتی اعلام کند که تورم را به ۲۰ درصد می‌رسانیم و به همین دلیل نیز دستمزدها را به اندازه ۲۱ درصد بالا می‌بریم. همچنین می‌تواند اعلام کند که از تولید به اندازه کافی حمایت می‌کند که دیگر هیچ نگرانی در این خصوص وجود نداشته باشد. در صورتی که دولت واقعا بتواند تولید را افزایش دهد قادر خواهد بود که دستمزد را کمتر از تورم بالا ببرد. اما مشکل این است که اگر مردم این وعده‌ها و اظهارات را غیرواقعی بخوانند و آنچه دولت در حمایت از تولید اعلام می‌کند اتفاق

برخی نیز که بخش‌های پایینی جامعه اعم از بازنشستگان و مستعمری‌بگیران هستند برای اینکه بتوانند از تورم عقب نمانند چاره‌ای جز بالا بردن قدرت چانه‌زنی خود در قبال افزایش قیمت‌ها ندارند. این گروه در واکنش به بالا رفتن قیمت‌ها ناچار است که به روش‌های مستقیم و غیرمستقیم به دولت فشار بیاورد که سهم آنها را بپردازد. در مجموع اما پایین رفتن درآمد سرانه، همه گروه‌های جامعه را متاثر می‌کند. تورم نتیجه دعوی‌ای است که بین این گروه‌ها و با این هدف اتفاق می‌افتد که تا چه اندازه می‌تواند سهم خود را از کیک اقتصادی کوچک‌شده کشور بالاتر نگه دارند. دولت با چاپ پول و بالا بردن هزینه‌های بودجه‌ای‌اش تلاش می‌کند گروه‌هایی که از بازی عقب می‌مانند را حمایت کند تا مانع از شکل‌گیری تظاهرات و اعتراضات از سوی آنان شود. اما همانطور که گفته شد این عمل با چاپ پول اتفاق می‌افتد و چاپ پول نیز به نوعی توزیع سهم بین بخش‌های مختلف اقتصاد است. اصل موضوع که مساله کاهش تولید است و باعث کاهش درآمد سرانه نیز شده قابل حل شدن نیست مگر اینکه بپذیریم با درآمدی که داریم نمی‌توانیم اقتصاد را به شکل عادی اداره کنیم. برای مثال معلمانی که اعلام می‌کردند دستمزد ما باید به اندازه تورم بالا برود برای دولت امکان‌پذیر نبوده است و حتی وقتی دولت وانمود کرده که دستمزدها را بالا برده اما معلم‌ها به زودی متوجه شده‌اند که حقوق آنها از تورم عقب افتاده است.

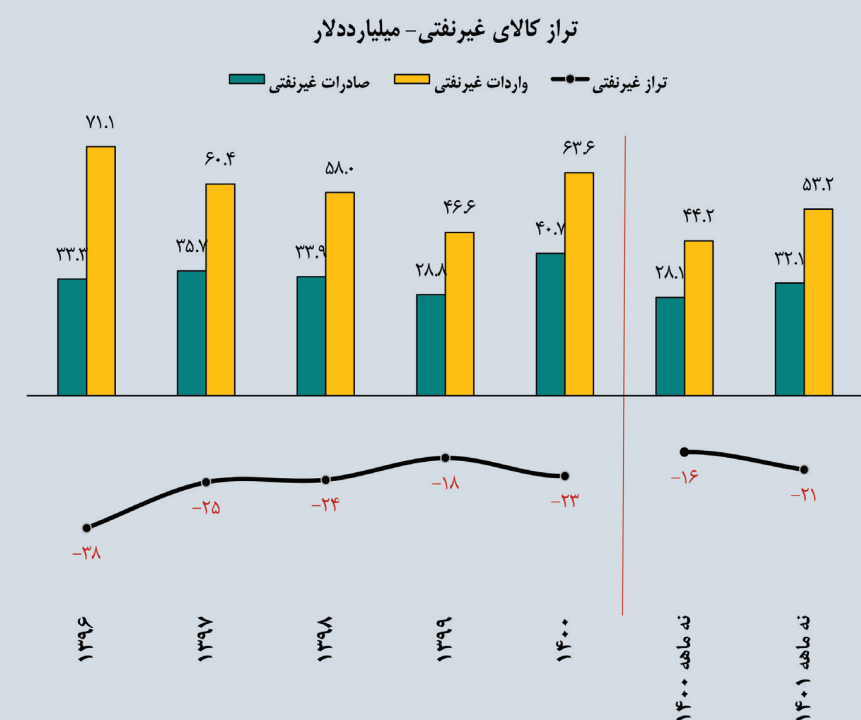


تراز کالای غیرنفتی

حساب کالا از دو بخش کالای نفتی و کالای غیرنفتی تشکیل می‌شود. تراز کالای غیرنفتی ایران در پایان فصل سوم ۱۴۰۱ همراه با کسری و حدود منفی ۲۱ میلیارد دلار بوده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از آن، ۳۱ درصد تضعیف شده است.

در مدت مورد بررسی، واردات کالای غیرنفتی حدود ۲۰ درصد و صادرات کالای غیرنفتی هم حدود ۱۴ درصد افزایش داشته که به دلیل بالاتر بودن رقم واردات، اثر کاهندگی رشد واردات بیشتر بوده و با مشارکت منفی ۶۰ واحد درصدی در برابر مشارکت حدود ۲۵ واحد درصدی افزایش صادرات کالای غیرنفتی، در نهایت موجب تضعیف ۳۱ درصدی تراز کالای غیرنفتی شده است.

همان طور که در نمودار مقابل مشاهده می‌شود تراز کالای غیرنفتی ایران همواره با کسری قابل توجهی همراه بوده و حتی در مقاطعی که تراز مزبور با بهبود نسبی مواجه شده (سالهای ۱۳۹۷ الی ۱۳۹۹)، بیشتر به دلیل افت واردات کالایی و نه افزایش صادرات غیرنفتی، بوده است.



معاونت بررسی‌های اقتصادی

ایرانیان روز شادی ندارند



بسیاری از کسانی که مزد و حقوق بگیرند باید اگر پس‌اندازی دارند از آن برای خریدهای عرفی نوروز بردارند. این در حالی است که شهروندانی که مزد و حقوق بگیرند حتی شاید نتوانند در سال نو با آسودگی و با راحتی خیال در درون سرزمین مادری نیز به گردش بروند. واقعیت این است که به رغم همه وعده‌های داده‌شده از سوی نهاد دولت به نهادهای بالادستی و نیز به مردم بردبار و مداراجوی ایران که نرخ تورم مهار می‌شود و سطح رفاه مادی مردم افزایش می‌یابد حالا در پایان سال ۱۴۰۱ چشم‌انداز روشنی درباره انجام شدن وعده‌ها دیده نمی‌شود و ایرانیان در بهت و حیرت فرو رفته‌اند که چه باید کنند. اقتصاد ایران در سطح کلان به سخت‌ترین روزها رسیده است و این را می‌توان از روزگار شهروندان ایرانی که انگشت به دهان گرفته و از غم ناداری نمی‌دانند چه کنند و نیز هزاران بنگاه صنعتی کوچک و متوسط و حتی بزرگ و از آنها مهم‌تر گیر افتادن دولت و مجلس در تدوین بودجه‌های دارای تعادل به خوبی دید. به نظر می‌رسد علاوه بر مسائل اقتصادی پدیده‌های ناراحت‌کننده دیگری مثل روندها و فرآیندهایی که در ناآرامی‌های ۱۴۰۱ رخ داد ایجاد و به واگرایی میان شهروندان و نهادهای دولتی منجر شد و نیز اتفاق شگفت‌انگیز مسموم شدن صدها دانش‌آموز مدارس دخترانه در شهرهای کشور که هنوز پایان‌ناپذیر به نظر می‌رسد و هیچ سرنخی هم به دست نیامده است و همچنین گره پرونده هسته‌ای که هیچ گامی به جلو برای برطرف شدن آن انجام نشده و پیامد اصلی آن یعنی تحریم‌ها همچنان پابرجاست نیز بر ابعاد اندوه و بلاتکلیفی مردم افزوده است.

میلیون‌ها خانواده ایرانی آرزو داشتند و دارند روند رویدادهای ایران به سویی برود که آنها دور از هیجان و استرس زندگی کنند و با کار کردن و کوشش خود و بهره‌برداری از توانایی‌های خود درآمدی مناسب با هزینه‌ها به دست آورند و زندگی عادی داشته باشند. ایرانیان آرزو دارند روزگار گونهای شود که آنها چشم‌اندازی روشن از هر نظر داشته باشند و با خوشی و خرمی سال را شروع کنند. شوریختانه مجموعه خدادهای اقتصادی، سیاسی و به‌ویژه سیاست خارجی در سال ۱۴۰۱ این چشم‌انداز روشن را نشان نمی‌دهد و ایرانیان سال تازه را با خوشحالی شروع نمی‌کنند.

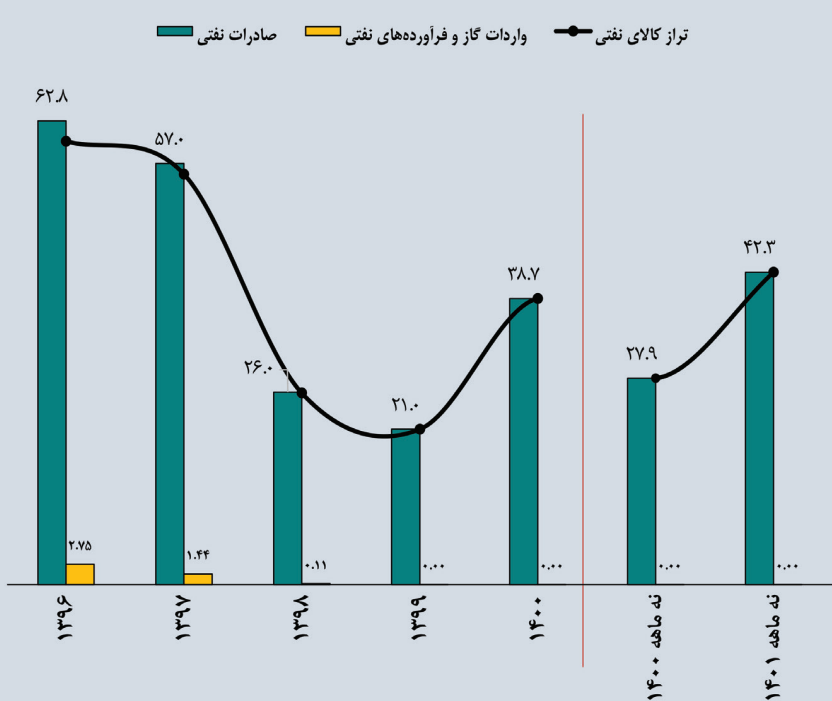
تراز کالای نفتی

تراز کالای نفتی ایران به دلیل واردات ناچیز اقلام نفتی و در مقابل صادرات بالای نفت و گاز، همواره مثبت است. صادرات نفتی ایران در نه ماهه سال ۱۴۰۱ با افزایش قابل توجه ۵۱ درصدی همراه شد و از حدود ۲۸ میلیارد دلار در نه ماهه ۱۴۰۰ به ۴۲ میلیارد دلار در سه فصل نخست ۱۴۰۱ رسید. افزایش مزبور موجب رشد حدود ۱.۵ برابری تراز نفتی کشور در این مدت شد.

میانگین سهم صادرات نفتی از کل صادرات کالایی کشور طی دو سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ حدود ۶۵ درصد بود که به دلیل تحریم و تحولات در بازار جهانی نفت، در سال ۱۳۹۸ به ۴۳ درصد و در سال ۱۳۹۹ هم به ۴۲ درصد، کاهش یافت. سهم مزبور در سال ۱۴۰۰ همراه با افزایش بهای نفت خام در بازارهای جهانی و رشد صادرات نفتی ایران، به ۴۹ درصد افزایش یافت و در مقابل در همین سال سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات کالایی کشور از ۵۸ درصد به ۵۱ درصد کاهش یافت. با افزایش بیشتر صادرات نفتی در مقایسه با صادرات غیرنفتی در نه ماهه اول سال ۱۴۰۱، مجدداً سهم صادرات نفتی از کل صادرات کالایی افزایش یافت و به ۵۷ درصد رسید (بالاترین رقم طی سه سال گذشته) و در مقابل از سهم صادرات غیرنفتی در صادرات کالایی کشور کاسته و به ۴۳ درصد نزدیک شد.

❖ در آمارهای بانک مرکزی منظور از صادرات نفتی، مجموع ارزش نفت خام، فرآورده نفتی، گاز طبیعی، مینعات و مایعات گازی (تعرفه‌های ۲۷۱۰، ۲۷۱۱ و ۲۷۱۲) صادر شده توسط شرکت‌های ملی نفت ایران، ملی گاز ایران، ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران، شرکت‌های پتروشیمی و سایرین (گمرکی و غیر گمرکی) است.

تراز کالای نفتی - میلیارد دلار



معاونت بررسی‌های اقتصادی

سال ۱۴۰۱ ایران

بود با هرتفندی اروپا را دور از آمریکا نگه دارد اما اکنون کشوری مثل آلمان با ایران از در خصومت درآمده است و مناسبات با دیگر کشورهای بزرگ اتحادیه اروپا بدتر شده است. در سال ۱۴۰۱ ایران نتوانست با عربستان به آشتی برسد و تازه مناسباتش با آذربایجان و ترکیه نیز نامناسب‌تر شده است. مهم‌تر از همه و تأسّف آورتر این است که دولت نتوانست افکار عمومی جهان را در برابر تبلیغات منفی رسانه‌های خارج از کشور با خود همراه سازد. دولت‌های پرشماری با استفاده از تبلیغات منفی با ایران مناسبات دوستانه ندارند. به عبارت دیگر ایران موقعیت مناسبی در جهان و به ویژه در میان دولت‌های موجود ندارد.

هنگامی که درباره مناسبات خارجی ایران می‌نویسیم نمی‌توانیم درباره نزدیکی نظام جمهوری اسلامی به شرق یعنی روسیه و چین به مثابه دو کشور غول پیکر نظامی و سیاسی با نظام سیاسی بسته چیزی ننویسیم. واقعیت این است که دولت انقلابی روسیه با توجه به انزوای نسبی در جهان به ویژه انزوایی که از اردوگاه غرب با آن مواجه بود راهی نداشت که به دامان روسیه و چین بیفتد. شوربختانه ایران درباره روسیه روی اسب بازنده یا در بهترین حالت اسبی که دیگر جوان و نیرومند نمی‌شود شرط بسته است. دوستی افراطی ایران با روسیه کار را به جایی رسانده است که افکار عمومی جهان به این سسو کشانده شده که نظام سیاسی ایران در جنگ اوکراین با روسیه همکاری تنگاتنگی داشته و این بسیاری به زبان ایرانیان شنیده است. از سوی دیگر ایران برای اینکه بتواند درآمد ارزی از صادرات نفت خام داشته باشد همه تخم‌مرغ‌های صادرات نفت و پتروشیمی را در سبد چین گذاشته است. اما متأسفانه با همه تلاش‌های ایران حجم داد و ستد ایران و چین به ۲۰ میلیارد دلار می‌رسد که بخش عمده‌ای از آن نیز صادرات نفت خام ارزان ایران به چین و واردات کالا از این کشور به صورت اجباری است.

زیر بنای بی پناه

واقعیت تلخ این است که در دهه ۱۳۹۰ و پس از اعمال رژیم تحریم‌ها در اوایل و اواخر دهه یادشده از سوی آمریکا و غرب درآمدهای ارزی ایران روندی کاهنده به خود گرفت. با کاهش درآمدهای ارزی ایران و دولتی که برای اداره کشور نیازمند این ارزها بود نخستین جایی که در کانون



داشته باشد تا بتواند از سرمایه‌های بین‌المللی برای برطرف کردن نیازهای ارزی استفاده کند. علاوه بر این ایران نیاز دارد مهمترین کالای بین‌المللی خود یعنی نفت را به جهانی که نیازمند آن است بفروشد و یا برای منابع گاز خود سرمایه فراهم کند تا بتواند آنها را از دل دریاها و صحراها بیرون کشیده به جهان بفروشد. علاوه بر این نیاز دارد با همسایه‌های خود و نیز با کشورهای منطقه مناسبات دوستانه مستحکمی داشته باشد و با آنها تجارت کند و نیز مناسبات دوستانه داشته باشد تا بتواند با آسودگی تجارت کند. اگر با این شاخص به کارنامه دولت سیزدهم نگاه کنیم کامیابی ویژه‌ای نمی‌بینیم و سهم ناگامی‌ها بیشتر بوده و هست. مناسبات ایران با آمریکا که در شروع سال ۱۴۰۱ بد بود ولی امید وجود داشت از مسیر گفت‌وگوهای برجامی به نقطه مناسبی برسد حالا در پایان سال به جایی رسیده است که احتمال جنگ وجود دارد. ایران در دوره وزارت محمد جواد ظریف نتوانسته

شده و در عمل قیمت دلار بیشتر شده است معلوم است که شهروندان بی اعتماد می‌شوند. افزایش درجه بی اعتمادی به دولت سیزدهم حتی در سخنان برخی مدیران ارشد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی نیز دیده می‌شود و آنها ترسی از این ندارند که بگویند بی اعتمادی در جامعه نسبت به کارآمدی دولت افزایش یافته است.

تعامل با جهان

حالا دیگر همه ایرانیان در هر شغل و در هر موقعیت اجتماعی نیک می‌دانند یک کشور بدون دوستی با دیگر کشورها و به ویژه بدون دوستی با بخش برتر جهان نمی‌تواند چرخ اقتصاد را بچرخاند و زندگی شهروندان را در سطح بالاتری نگه دارد. واقعیت این است که ایران ویژگی برجسته اش اتفاقاً این است که با بخش مهمی از جهان مناسبات سیاسی پایدار و رو به رشدی

ایرانیان همانند همه شهروندان جهانی در هر سرزمینی آرزو دارند خوشبخت باشند و شاد و عادی زندگی کنند و از بدبختی و رنج دور باشند. ایرانیان اما شوربختانه دهه‌های پرشماری است درگیر تنگناها و گرفتاری‌هایی شده‌اند که می‌شد نداشتند اما هستند و در سال ۱۴۰۱ نیز با آنها زندگی کردند. اگر در ایران نهاد حکومت اجازه می‌داد بنگاه‌های نظرسنجی خصوصی تأسیس شوند و با شرایط عادی یعنی بدون هراس از اینکه پرسش‌های سخت از شهروندان کنند و نتایج را نیز به آنها اعلام کنند شاید راحت‌تر می‌شد سر در آورد ایرانیان در سال ۱۴۰۱ بیشتر احساس خوشبختی یا بدبختی داشته‌اند. اما این مؤسسه‌ها وجود ندارند و نمی‌شود بدون این نظرسنجی‌های مستقل پاسخی راستین برای آن پرسش پیدا کرد. کاش می‌شد ارزیابی دقیقی از این مسئله داشت و به دولت یادآور شد شهروندان از برآیند فعالیت‌های آنها احساس خوشبختی دارند یا احساس می‌کنند تیره روزتر شده‌اند. واقعیت این است که اما چنین راستی‌آزمایی وجود ندارد. اما یک پژوهش انجام شده از مدیران عامل ۳۰۰ شرکت در ایران نشان می‌دهد بیش از نیمی از آنها با استرس زندگی کرده‌اند و بیش از ۸۰ درصد گفته‌اند بی‌ثباتی سیاسی مهمترین دغدغه آنها برای اداره شرکت خود بوده است.

شاخص اعتماد

در دهه‌های تازه سیر سیری شده شاخص اعتماد به دولت یکی از مهمترین شاخص‌ها برای ارزیابی کارنامه این نهاد و نیز شاخص رئیس دولت به حساب می‌آید و چیزی است که با نکتته سنجی‌های مؤسسه‌های نظرسنجی و نیز همراهی جامعه‌شناسان و روانشناسان اجتماعی با زیرمجموعه‌هایش در ردیف شاخص بسیار با اهمیت قرار گرفته است. در حالی که در ایران نمی‌توان با قاطعیت وبدون هراس و بدون لکنت زبان در این باره از شهروندان و گروه‌های گوناگون پرسید که میزان اعتماد آنها به دولت در طول سال اضافه یا کاهش داشته است باید به سخنان گروه‌های اجتماعی و گفتار آنها و نیز برخی رخدادها اشاره کرد. به طور مثال در حالی که رئیس‌جمهور در زمان مبارزه انتخاباتی دولت روحانی را مسخره می‌کرد که دلار را مهار نکرده است و می‌گفت قیمت تخم‌مرغ و مرغ و پیاز چه ربطی به قیمت دلار دارد و وعده می‌داد پول ایران را در برابر دلار نبروند می‌کند اما همه می‌بینیم برعکس

چین ایدئولوژیک یا تاجر؟



چین کمونیست بعد از صدمات شدیدی که در دوران ماو و حکومت کمونیستی متحمل شد، همزمان با انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، مبنای روابط خارجی خود را از ایدئولوژیک بودن به تاجر بودن تغییر داد. چینی که امروز می‌شناسیم، کشوری تاجر است و معیارهایی که برای ارتباط با کشورهای دیگر انتخاب می‌کند، بر مبنای سرمایه‌گذاری، تجارت و فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی است. به همین دلیل چین در داخل کمونیست، سال گذشته با دشمن خود آمریکا بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار تجارت داشته که فقط ۶۰۰ میلیارد دلار آن، صادرات به آمریکا بوده است.

به گواه آمار، اکنون بیشترین صادرات چین به کشورهای غربی است؛ چرا که برای چینی‌ها مهم نیست با آمریکا خصومت دارند یا از نظر ایدئولوژیک با او تفاهمی ندارند. روابط فی‌مابین تنها براساس خواسته‌های تجاری و اقتصادی تعریف شده‌اند و هر یک از کشورها برای تامین منافع ملی مردم خود تبادلات تجاری را ادامه می‌دهند. آمریکایی‌ها برای حفظ منافع ملی‌شان با چینی که خیلی او را دوست ندارند، تجارت گسترده دارند و مردم آمریکا نیز کالاهای چینی را در بازارها می‌خرند و مصرف می‌کنند.

در واقع برای مصرف‌کنندگان آمریکایی آنچه مهم نیست که چین کشوری کمونیست است یا سرمایه‌دار؛ برای آنها کالای باکیفیت و قیمت مناسب حائز اهمیت است، به همین دلیل صادرات چین توانسته است در بازار آمریکا و کشورهای دیگر گسترش زیادی پیدا کند. در مقابل، حجم صادرات آمریکا به چین زیاد نیست و فاصله تجاری بسیار گسترده‌ای در این موازنه وجود دارد. به همین دلیل چینی‌ها در بازارهای مختلف آمریکا به‌خصوص بازارهای اوراق دولتی، سرمایه‌گذاری انبوهی انجام داده و به نوعی می‌توانند در بازار مالی آمریکا بازارگردانی کنند. در این میان، بازار آمریکا به نحوی خود را تنظیم کرده است که می‌تواند تجارت عظیمی با چین داشته باشد و در عین حال، منافع ملی خود را به خوبی حفظ کند. در منطقه خاورمیانه، حجم تجارت بسیار محدودتر است. اگر بخواهیم به روابط تجاری چین با کشورهای عربی نگاه کنیم، از حدود ۲۲ کشور، چینی‌ها با ۲۰ کشور رابطه تجاری گسترده برقرار کرده‌اند. سال گذشته چین حدود ۳۳۰ میلیارد دلار کالا به کشورهای عربی صادر کرده است. علاوه بر این چینی‌ها در این کشورها که جمعیتشان در مجموع به ۴۰۰ میلیون نفر می‌رسد، حدود ۲۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده‌اند. اگر حجم تجاری چین با ایران را با حجم تجارت چین با کشورهای عربی که ۴/۵ برابر ما جمعیت دارند مقایسه کنیم، مشخص می‌شود حجم تجاری‌شان بیش از ۱۵ برابر ایران و حجم سرمایه‌گذاری چین در کشورهای عربی بیش از ۲۰ برابر کشور ما است. آنچه تاجر چینی به آن توجه دارند، سودی است که در ایران یا عربستان است و به این توجه می‌کنند که پولشان در آن کشور به سرعت به دستشان می‌رسد و کالایی که می‌فرستند به سرعت دسترس مصرف‌کننده قرار می‌گیرد. بنابراین برای شرکت‌های چینی سیاست‌ها در این حد مهم است که به تجارت آنها لطمه نزنند و چین از این نوع برخورد شرکت‌های چینی پشتیبانی می‌کند. شاید به همین دلیل است که چند هفته پیش در عربستان سعودی، رئیس‌جمهور چین را در حال مذاکره برای گسترش تجارت با کشورهای عربی دیدیم. چشم‌انداز روابط بین‌الملل چین نشان می‌دهد که آینده تجارت این کشور با جهان عرب به چند دلیل روشن‌تر از تجارت با ایران است. دلیل اول این است که تبادل پول با آن کشورها بسیار ساده است و در سیستم‌های بین‌المللی می‌توانند انتقال پول را به راحتی انجام دهند. طبق بررسی‌های صورت گرفته، تجارت ایران با چین زیر ۲۰ میلیارد دلار است و تجارت با کشورهای عربی به بیش از ۳۳۰ میلیارد دلار می‌رسد. بنابراین نباید از چین تاجر، گلایه‌مند باشیم، بلکه باید به رفتار خود نگاه کنیم که اگر نگاه ما به روابط خارجی تجاری بود، تجارت ما با چین بسیار بیشتر می‌شد. ضمن اینکه تجارت ما محدود به چین نمی‌شد و با کشورهای دیگر نیز تجارت قابل قبولی می‌داشتیم. سیاست‌گذاران باید بدانند تجارت است که منافع ملی کشورها را تامین می‌کند و ثروت را برای کشورها به ارمغان می‌آورد. بنابراین تجارت ابزاری بسیار قوی برای ارتقاء رشد و توسعه کشورها به شمار می‌رود. در این میان چین سال‌هاست این موضوع را ثابت کرده و نگاهش به آینده نیز اثبات می‌کند که با کشورهای مبادلات تجاری خواهد داشت که راه تجارت با آنها آسان‌تر بوده و گرفتاری‌های کمتری داشته باشد.

اگر نتوانیم مسائل متعددی همچون موضوع FATF و برقراری روابط بین‌الملل با غرب با نگاه تجاری را حل کنیم، حجم تجارتمان با سایر کشورها حتی با چین و روسیه محدودتر می‌شود؛ زیرا می‌بینیم که حتی راه ابریشم جدید که بستر اصلی آن در ایران است، به تدریج به دور زدن ایران تمایل پیدا کرده است. این محدودیت‌ها نشأت گرفته از نگاه ما به روابط بین‌الملل است که بر مبنای تجاری و اقتصادی استوار نیست و متأسفانه هنوز چنین تغییری هم در سیاست‌هایمان رخ نداده است.

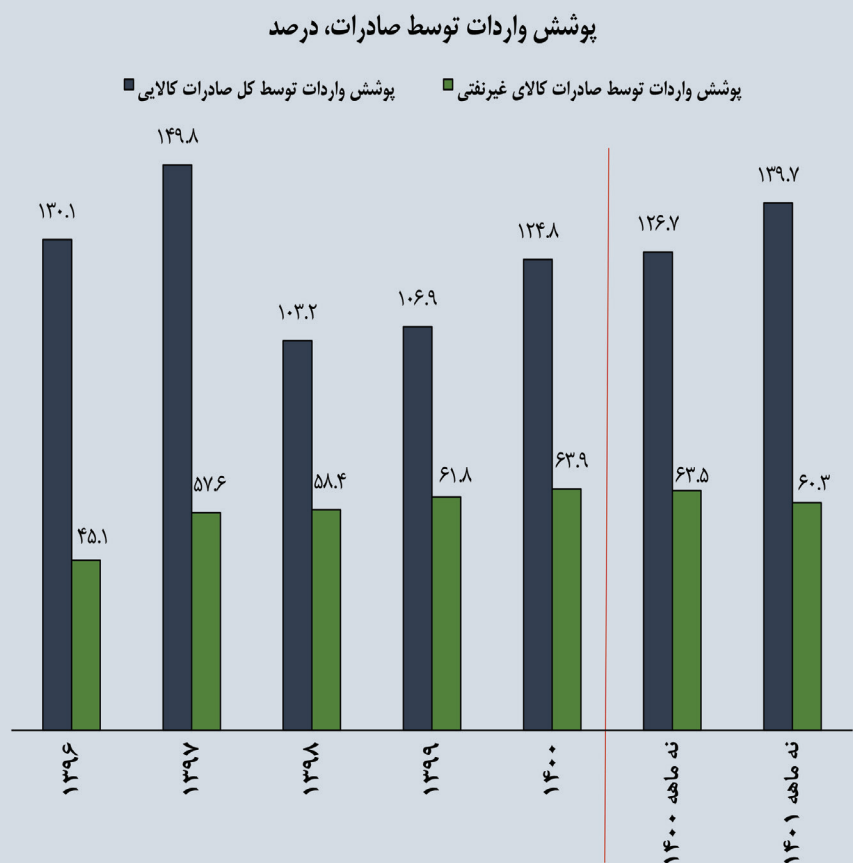
محمد مهدی بهکیش

نسبت پوشش کالایی

یکی از شاخص‌های ارزیابی وضعیت تجارت کالایی یک کشور، نسبت پوشش واردات توسط صادرات کالا است. این نسبت نشان می‌دهد که تا چه میزان درآمدهای حاصل از صادرات کالایی برای تامین نیازهای ارزی واردات کالاها کفایت می‌کند. چنانچه نسبت مزبور برای کل صادرات کالایی محاسبه شود، برای نه ماهه سال ۱۴۰۱ مشخص می‌شود که مجموع صادرات کالایی (نفتی و غیرنفتی) با مازاد حدود ۴۰ واحد درصدی، کل نیاز ارزی واردات کالایی کشور را در این بازه زمانی تامین کرده است.

این در حالی است که اگر صرفاً درآمدهای صادرات کالایی غیرنفتی را در نظر بگیریم، نسبت مزبور برای مدت مورد بررسی حدود ۶۰ درصد می‌شود که اگرچه نشان‌دهنده عدم کفایت درآمدهای غیرنفتی کشور برای تامین نیاز ارزی واردات کالایی و لزوم استفاده از منابع نفتی است، ولی از حیث مقایسه با ارقام مشابه سالهای ۱۳۹۶ الی ۱۳۹۸ بالاتر و از ارقام سالهای ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ کمتر است.

نسبت پوشش واردات کالایی توسط کل صادرات کالایی در نه ماهه نخست سال ۱۴۰۱ در مقایسه با مدت مشابه سال ۱۴۰۰ بهبود یافته که ناشی از بهبود قابل توجه عملکرد صادرات نفتی بوده ولی نسبت پوشش واردات توسط صادرات کالایی غیرنفتی در این مدت تضعیف شده که به دلیل رشد کمتر صادرات کالاهای غیرنفتی است.



معاونت بررسی‌های اقتصادی

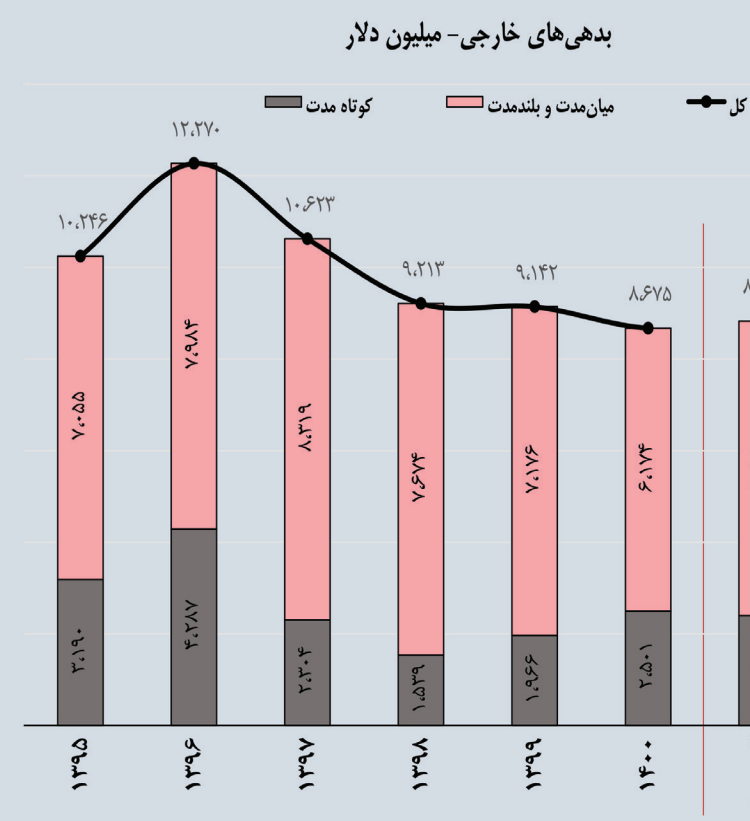
بدهی ارزی

روند عمومی بدهی‌های خارجی ایران طی سال‌های ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰، نزولی است و روند کاهنده مزبور طی نه ماهه نخست سال ۱۴۰۱ نیز مشاهده می‌شود. در پایان آذر ۱۴۰۱، کل بدهی ارزی ایران بدون احتساب معوقه‌ها، حدود ۶.۴ میلیارد دلار بوده که ۷۳ درصد از آن مربوط به بدهی‌های میان و بلندمدت و ۲۷ درصد آن مربوط به بدهی‌های کوتاه‌مدت بوده است.

در مقایسه با نه ماهه سال ۱۴۰۰، کل بدهی‌های ارزی خارجی بدون احتساب معوقه‌ها در نه ماهه ۱۴۰۱ با کاهش توأم برای بدهی‌های کوتاه‌مدت و همچنین بدهی‌های میان و بلندمدت همراه است.

با احتساب معوقه‌ها به ارزش ۱.۴۵ میلیارد دلار، کل بدهی‌های خارجی کشور در پایان شهریور ۱۴۰۱ برابر با ۸.۳۶ میلیارد دلار اعلام شده که رقم متناظر با آن در نیمه نخست سال ۱۴۰۰ برابر با ۱۰.۶ میلیارد دلار بوده است. با توجه به کسب درآمدهای نفتی، میزان تمایل و استفاده ایران از منابع ارزی خارجی در قالب ایجاد بدهی‌های خارجی، در مقایسه با سایر اقتصادهای در حال توسعه، اغلب در سطحی پایین است. اگرچه ممکن است به دلیل شرایط تحریم و همچنین امکان کسب درآمدهای بالاتر از محل صادرات نفتی، نهادهای بین‌المللی نیز درخواست احتمالی دریافت وام و یا کمک مالی ایران را نپذیرند.

تفکیک بدهی‌های خارجی به کوتاه‌مدت و بلندمدت براساس سررسید اولیه صورت گرفته است. در ضمن، بهره متعلقه به روش تعهدی محاسبه و در آمار بدهی‌های کوتاه مدت منظور می‌شود.



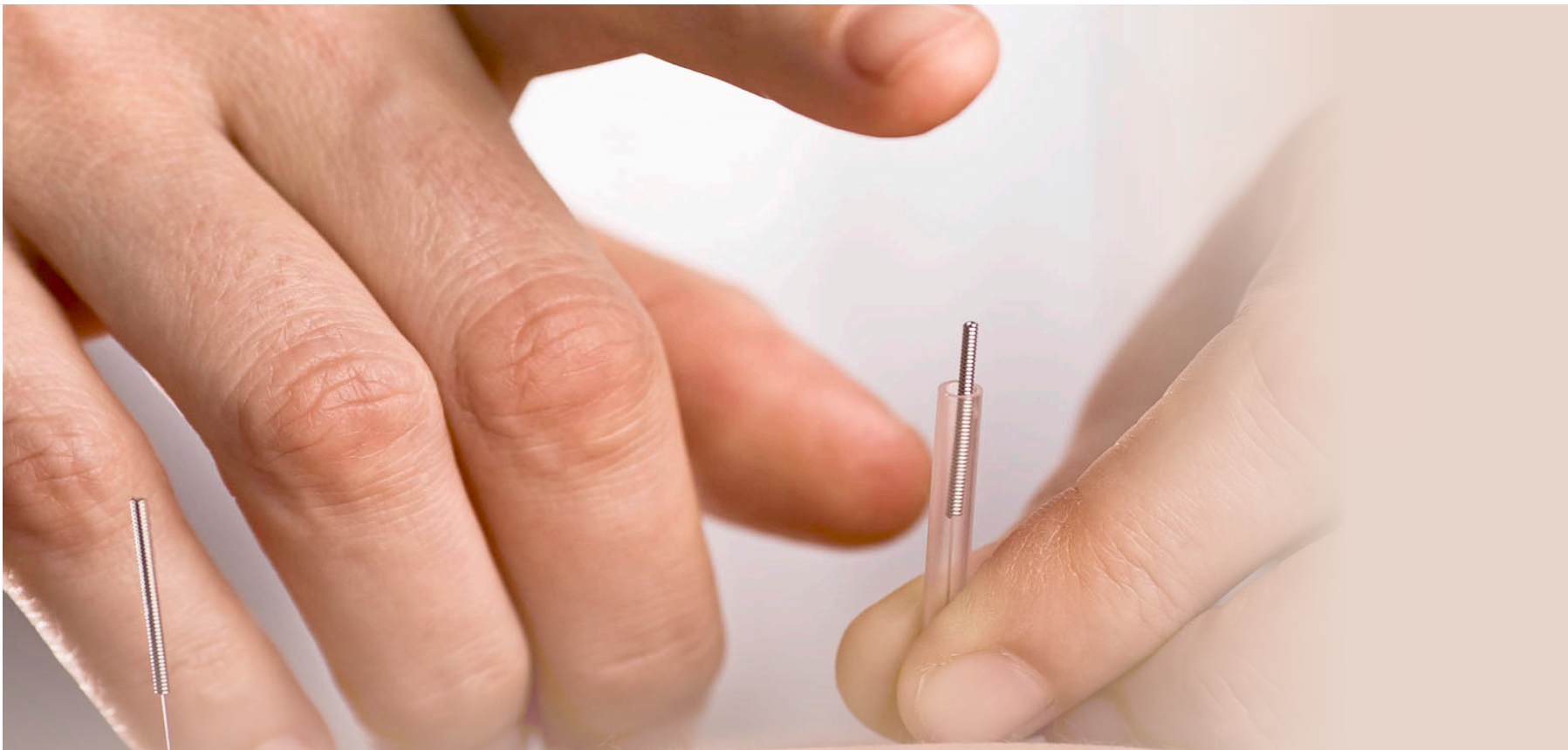
معاونت بررسی‌های اقتصادی

حساب و کتاب شادی

شادی چیست؟ چه کشورها یا شهرهایی شادترین مردم دنیا را دارند؟ و شادترین مردم دنیا چه می‌کنند که شاد هستند؟ چه چیزهایی در شاد بودن انسان‌ها تاثیر می‌گذارد و چه بخشی از آن قابل تغییر است و ما می‌توانیم روی آن بخش تاثیرگذار باشیم و شادی خودمان را تعیین کنیم؟ تعریف شادی و شادمانی بسیار مشکل است و تلاش‌ها برای تعریف این نوع مفاهیم معمولاً به توصیف آن منجر می‌شود. زیرا احساسات مباحث درونی و ذهنی هستند و بیشتر درک شدنی‌اند و به سادگی نمی‌توان آنها را کلمات تعریف کرد. شاید بسیاری به این فکر باشند که شادی قابل محاسبه نیست و وقتی مفهومی به سادگی قابل تعریف نیست، چطور می‌توان آن را محاسبه کرد؟ این تفکر تا سال‌های اخیر در دنیا فراگیر بوده و برای همین کسی اقدام به محاسبه شادی در کشورهای مختلف نکرده بود. اما در سال ۲۰۰۸ کشور بوتان برای اولین بار تصمیم به محاسبه شادی مردم می‌گیرد تا بتواند بر اساس این شاخص سیاست‌های کلان کشور را به گونه‌ای تعریف و تعیین کند که شادی و رضایت

منبع: صفحه تلگرامی پویا فکری توسعه





وضعیت اقتصاد سیاسی

بدون چون و چرا در ایران هر امری از مسیر سیاست یا دست کم اقتصاد سیاسی عبور می‌کند. به این معنی که برای شناخت پدیده‌های اقتصادی باید نخست نگاهی به اقتصادسیاسی ایران داشته باشیم. واقعیت این است که به دلیل پایداری برخی از بنیادی‌ترین رفتارهای کلان در اقتصاد ایران که دیگر می‌توان آنها را مسائل حل نشده تاریخ اقتصاد ایران دانست، بسیاری از فعالان اقتصادی و نیز مدیران نهادهای حاکمیتی این مسائل را خوب می‌شناسند یا دست کم با آنها برخورد جدی داشته و اکنون از مسائل شناخته شده به حساب می‌آیند. اگر فردی با میکروسکوپ به مسائل اقتصاد ایران نگاه کند می‌تواند ده‌ها مسئله حل نشده کوچک را ببیند که حالا هر کدام برای خود معضلی شده‌اند. از سوی دیگر اما برخی علاقه‌مندان با تلسکوپ به اقتصاد ایران نگاه کنند و بگویند چند مسئله اهمیت دارد و باید آنها را حل کرد. در هر دو حال اما مسائل ایران که هر کدام یادگار یک دوره سیاست‌گذاری است قابل اعتنا و با اهمیت هستند. اگر ایران نتواند در یک دوره میان مدت این مسائل را حل کند بدون تردید با کورشدن گره‌ها و نیز افزایش مجهولات به معلومات، باز کردن گره‌ها و حل کردن مسائل دشوار و دشوارتر خواهد شد. این نوشته درصدد یادآوری مشروح تنگناهای اقتصاد سیاسی ایران نیست و تصویری کندخوانندگان ارجمند می‌توانند با توجه به همین متن کوتاه نگاشته شده در سطرهای بالا به ژرفای مسائل پی ببرند.

گره‌های برجامانده

یکی از مسائل حل نشده و بسیار مهم در اقتصادسیاسی ایران مناسبات نهاد دولت و نهادهای دیگر حکومتی با بخش خصوصی است که حالا دیگر تاریخی شده و دست کم یک سده عمر دارد. سرسختی نهاد دولت در شناسایی فلسفه وجودی و تاثیرگذاری واقعی بر فعالیت‌های اقتصادی از مسائلی است که بر مناسبات میان نهاد دولت و بخش خصوصی سایه انداخته است. به این معنی که نهاد دولت در ایران به رغم تفاوت‌ها در گرایش‌های سیاسی حاضر نیستند بخشی از قدرت اقتصادی را در اختیار بخش خصوصی ببینند. مدیران دولت‌های ایران از دهه ۱۳۰۰ تا امروز از قدرت سیاسی در اختیار خود برای نادیده گرفتن توانایی‌های بخش خصوصی و نهادهای خصوصی استفاده کرده و می‌کنند. دولت علاقه دارد که بخش خصوصی توانایی‌ها و نیروی خود را در اختیار اراده و خواست دولت‌ها بگذارد اما توقع نداشته باشد در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها مشارکت واقعی داشته باشد. این مسئله حل نشده‌ای است که در ذهنیت رهبران دولت‌ها و مدیران ارشد آنها نهادینه شده است.

ذهنیت‌های بسته

اگر به کشورهای داری بخش خصوصی نیرومند نگاه کنیم چه می‌بینیم؟ آیا در آن کشورها کمبود وجود دارد یا کشورهایی که قدرت به طور انحصاری در اختیار دولت است؟ علاوه بر این بخش خصوصی نمی‌خواهد خارج از عرف و قانون عمل کند و می‌گوید مطابق قانون اساسی عمل شود. قانون می‌گوید دولت نباید در بسیار از فعالیت‌ها که بخش خصوصی توانایی دارد سرمایه‌گذاری و مدیریت کند. در حال حاضر بزرگ‌ترین خودرو و سازهای دنیا، بزرگ‌ترین فولادسازهای دنیا، بزرگ‌ترین واحدهای پتروشیمی و ماشین‌سازی و نیز فروشگاه‌های بزرگ توزیع کالا و نیز فعالیت‌ها در اختیار بخش خصوصی است و دولت‌ها مالکیت یا مدیریت ندارند. اما دولت‌ها در قانونگذاری و سیاست‌گذاری نیرومندند و اجازه نمی‌دهند بخش خصوصی اجحاف کند. این راه اما از مسیر گسترش و افزایش درجه رقابت‌پذیری در هربخش از فعالیت‌های صنعتی، بانکداری و راه و جاده و نیروگاه و... باز شده است. نهادهای مدنی و نیز رسانه‌ها نیز اجازه نمی‌دهند بخش خصوصی اجحاف کند. تجربه نشان می‌دهد بخش خصوصی چالاک‌تر و جایک‌تر است و از منابع در اختیار خود با بهره‌وری بالاتر نسبت به شرکت‌های دولتی استفاده می‌کند.

شاید یک پرسش مهم اینجا طرح شود که چرا نهادهای بخش خصوصی به ویژه اتاق‌های بازرگانی توانایی متقاعد کردن دولت‌ها در ایران را ندارند. به نظر می‌رسد شاید در این باره ناشفافیت‌هایی وجود دارد. این ناشفافیت شاید تنها در ذهن‌ها باشد و کارنامه اتاق‌ها آنگونه که نشان داده می‌شود تیره و تار نیست اما به هر حال وجود دارد و باید در این باره بیشتر نیرو گذاشته شود. این بحث مهمی است. به نظر می‌رسد درباره شفافیت برخی دیدگاه‌های تندروانه از سوی مدیران دولتی و نیز کسانی که سیاست را به مثابه فعالیت اصلی قرارداده و نیز شماری از مدیران خصوصی وجود دارد. این تندروانی‌ها به ابهام در تعریف و نیز دامنه مقوله شفافیت برمی‌گردد. به این معنی که برخی مدیران دولتی انتظار دارند نهادهای مثل اتاق همه ریز و جزئیات هر فعالیت و نیز تصمیم‌های خود و حتی فلسفه هر تصمیم خود را درباره هر کاری در اختیار قرار دهد و نیز شفافیت از نظر آنها فراتر از قانون و اساسنامه و قانون اتاق است. چنین خواسته‌ای از یک نهاد خصوصی به نظر می‌رسد تندروانه است.

ادامه در صفحه ۲

طب سوزنی درمان کمکی برای صرع

از دست دادن ناگهانی هوشیاری، تشنج یا تکان دادن اعضای بدن، خیره شدن، احساس ترس، اضطراب و ... همه نشانه‌های احتمالی تشنج هستند. صرع، یک اختلال عصبی مزمن و از شایع‌ترین اختلالات مغز است که سبب بروز انواع تشنج و در نتیجه، ناتوانی‌های عصبی روانی در تمام سنین می‌شود و در حقیقت، اصطلاحی است که به انواع مختلف تشنج اشاره می‌کند.

دکتر رضا جعفرقلی
عضوهیأت علمی
مؤسسه جامع
طب سوزنی ایران



علت تشنج چیست؟

سوزن‌ها دستکاری یا چرخانده می‌شوند یا با گرما یا پالس‌های الکتریکی ملایمی تحریک می‌شوند تا انبساط‌دهی چربی را باز کنند. این روش، تقریباً ۲۰ دقیقه قبل از برداشتن سوزن‌ها طول می‌کشد. میزان استفاده از طب سوزنی برای درمان بیماری‌های مختلف، مانند استئوآرتریت و سایر بیماری‌های عصبی روز به روز در حال افزایش است. ترکیب موفقیت‌های به دست آمده و پذیرش روزافزون جامعه پزشکی، به امید استفاده از طب سوزنی در درمان صرع نیز، دامن زده است. این، در حالی است که طب سوزنی به عنوان یک درمان جایگزین بدون عوارض جانبی نامطلوب در مقایسه با داروهای ضد صرع، توجهات زیادی را به خود جلب کرده است.

طب سوزنی، در مقایسه با سایر روش‌های درمانی مانند جراحی دارای حداقل تهاجم است. بنابراین، انجام طب سوزنی به افراد، این امکان را می‌دهد که از معایبی مانند سهولت تشخیص اشتباه و هزینه بالای داروهای ضد صرع اجتناب کنند. مانند بسیاری از مشکلات سلامتی، التهاب در تشنج‌های صرع نیز، نقش دارد. طب سوزنی گوش و طب سوزنی الکتریکی، ممکن است اثر ضد التهابی بر روی مغز داشته باشند که به کاهش دفعات تشنج کمک می‌کند. با این حال، اثربخشی درمان طب سوزنی در درمان صرع، هنوز مورد بحث است. آزمایشات بالینی گذشته، اثرات درمان طب سوزنی را در کاهش دفعات و طول مدت تشنج افراد مبتلا به صرع، نشان داده است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد کاشت کنتگوت نسبت به داروهای ضد صرع، مانند والپروات در کاهش علائم صرع (با کاهش ۵۰ درصدی دفعات تشنج) اثربخشی بیشتری دارد. اما از طرف دیگر، برخی مطالعات، عدم تأثیر طب سوزنی و طب سوزنی دارونما را در سرکوب تشنج‌های صرع گزارش داده‌اند. بنابراین، اثربخشی بالینی طب سوزنی در درمان صرع، باید در آینده به طور گسترده‌تری مورد بررسی قرار گیرد.

فعالیت الکتریکی غیرمعمول در سلول‌های مغز، می‌تواند انواع مختلفی از تشنج را ایجاد کند، بسته به این که چه ناحیه‌ای از مغز تحت تأثیر قرار گرفته است. در برخی موارد، افراد به دلیل ضربه به سر یا عفونت مغزی، مانند مننژیت شروع به تشنج می‌کنند. به نظر می‌رسد برخی از افراد با ساختار مغزی غیرعادی متولد می‌شوند که بر ناحیه‌ای از مغز که سبب تشنج می‌شود، تأثیر می‌گذارد. در افراد مسن‌تر، علائم صرع، ممکن است با علائم سایر بیماری‌های عصبی، مانند بیماری آلزایمر همراه باشد یا تشنج، ممکن است در اثر سکتته مغزی یا حمله قلبی رخ دهد. تشنج، می‌تواند ناشی از واکنش آلرژیک به برخی مواد غذایی باشد، مانند زمانی که فرد مبتلا به بیماری سلیاک در معرض گلوتن قرار می‌گیرد. علم پزشکی، هنوز علل دقیق تشنج‌هایی را که در موارد دیگر رخ می‌دهد، کشف نکرده است. اما تصور می‌شود علت آن، ژنتیک باشد. اگرچه اکثر حملات صرع را می‌توان به خوبی توسط داروهای ضد صرع معمولی کنترل کرد، اما عوارض جانبی و اثرات طولانی مدت دارو وجود دارد. علاوه بر این، حدود یک سوم بیماران، به داروهای ضد صرع مقاوم هستند و در برخی از آنان، مداخلات جراحی می‌تواند سودمند باشد. تعداد زیادی از مطالعات بالینی نشان داده‌اند، طب سوزنی اثرات مطلوبی بر انواع مختلف صرع دارد. اعتقادات پیرامون اکثر انواع روش‌های طب سوزنی، بر اساس این ایده بنیادی است که جریان چربی غیرطبیعی فرد، سبب تشنج‌های صرعی می‌شود؛ بنابراین، هدف طب سوزنی بازگرداندن جریان چربی در بدن فرد است، به این امید که بتواند به کنترل تشنج و در نهایت رهایی تشنج دست یابد. طبق تئوری طب سنتی چینی، صرع معمولاً به دلیل مشکلاتی در سیستم کبدی ایجاد می‌شود. افزایش یانگ کبد می‌تواند منجر به انقباض عضلات و یا سرگیجه شود. در طب سوزنی، سوزن‌های ریزی که معمولاً از فولاد ضد زنگ ساخته شده‌اند، در نقاط طب سوزنی خاصی وارد می‌شوند. سپس،

خواص انار در طب سنتی

دکتر الهام اختر؛ متخصص طب سنتی ایرانی

و نباید آب انار را با آب رقیق کنید. مقالات متعددی، تأثیر آب انار را در جلوگیری از رخ داد سکتته‌های قلبی و مغزی اثبات کرده‌اند. همچنین، نوشیدن آن بعد از حمله بیماری نیز، موجب کاهش عوارض می‌شود. در بیماری‌های روده، مانند کولیت اولسرو و کرون نیز، نوشیدن آب انار کامل انتخاب عزیزی است. رب انار ملس در کنترل چربی خون، بهبودی عملکرد دریچه مری به معده، روشن کردن رنگ و رو، موثر است و همراه غذا، به عنوان سس، عالی است. در افرادی که هضم ضعیفی دارند و یبوست داشته یا بواسیر دارند، مصرف انار شیرین بدون هسته توصیه می‌شود. دانه‌های خشک شده انار با نام «اناردان»، که به عنوان چاشنی در غذاها استفاده شده، موجب قوت هضم می‌شوند. شاید برخی از شما با میل نمودن انار دچار یبوست شود؛ میل نمودن چند تایی انجیر خشک خیس‌انده، مشکل را حل می‌کند.

این دانه‌های زیبای یاقوتی رنگ که با پاییز دلپذیر و زیبا همراه می‌شوند، فواید پرشماری دارند و همراه خود، عصاره حیات دارند! انار، طبیعتی مایل به کمی سردی دارد که با شیرین شدنش از این تمایل کاسته شده و با ترش شدنش، به آن افزوده می‌شود. **خواص انار در طب سنتی:** انار، حاوی بیشترین مقدار آنتی‌اکسیدان به نسبت وزن میوه است. جالب توجه است که این آنتی‌اکسیدان در دانه‌ها، پیه سفید رنگ آن و پوست آن موجود است؛ بنابراین، وقتی کل انار را با هم آب بگیرید بیشترین میزان آنتی‌اکسیدان به شما رسیده است. البته، حواس‌تان باشد حتماً از وسیله مخصوص آب انار گیری استفاده کنید؛ آمیوه گیری خانگی، آبی بسیار گس و غیر قابل تحمل به شما تحویل خواهد داد. و باز هم حواستان باشد، انار برای آبگیری، نباید خیس باشد



مزیت‌های بالقوه دانه آمارانت برای سلامتی

با این که دانه تاج خروس به تازگی یکی از غذاهای محبوب و سالم در بین مردم است، اما این دانه هزاران سال است که یکی از مواد غذایی اصلی در بخش‌های مختلف جهان بوده است و با وجود مواد مغذی متعدد، فواید بسیاری برای سلامتی دارد. دانه‌ها و برگ‌های این گیاه، فاقد گلوتن و سرششار از پروتئین، فیبر، مواد معدنی و سایر مواد مغذی، ریزمغذی‌ها، آنتی‌اکسیدان‌ها، به ویژه منبع خوبی از منگنز، منیزیم، فسفر و آهن می‌باشد.

دانه‌های این گیاه به دلیل فواید سلامتی فراوانی که ارائه می‌دهد، به عنوان یک «ابرغذای» محبوب در حال ظهور است. آمارانت، یک دانه باستانی شبیه کینواست و اندازه ی آن، ریز به رنگ خرمایی روشن است. معمولا آن را مانند برنج و جو می‌پزند و به صورت پلو یا فرنی می‌خورند. همچنین، می‌توان آن را آرد کرده و در پخت و پز نیز استفاده نمود، به ویژه در دستور العمل غذاهایی که بدون گلوتن هستند.

زهرا افتخاری

محقق و پژوهشگر طب سنتی

آمارانت یا تاج خروس، گیاهی است با فواید متعدد که بومی مکزیک و آمریکای مرکزی می‌باشد. برگ‌ها و دانه‌های این گیاه، خوراکی بوده و دارای فواید تغذیه ای مختلفی می‌باشد. این گیاه در گذشته توسط آرتک‌ها به عنوان غذای اصلی استفاده می‌شد. در حال حاضر، برگ‌ها و



وضعیت اقتصاد سیاسی

ادامه از صفحه اول

از سوی دیگر نهادهای خصوصی باد توجه داشته باشند محافظه‌کاری بیش از اندازه لازم به بهانه اینکه نباید همه چیز را همه کس بدانند نیز تندروری است. شفافیت در دنیای امروز برای پیشرفت هر نهادی و هر سازمانی در هر سطح یک ضرورت است و دیگر نمی‌توان آن را نادیده گرفت. شفافیت به این معنی که نباید تصمیم‌هایی گرفت که نشود آن را به اطلاع افکار عمومی رساند و نیز پنهان نگه داشتن اطلاعاتی که می‌تواند حتی دستاورد به حساب آید باید اجرایی شود. در وضعیتی که شهروندان می‌توانند به هر ترتیب به اطلاعات دست بیابند بهترین کار افزایش دامنه و ژرفای شفافیت از سوی اتاق‌های بازرگانی است. شهروندان ایرانی باید بدانند منابع اتاق از کدام محل‌ها به دست می‌آید و باید بدانند محل خرج این منابع کجا است. اتاق بازرگانی یک نهاد قانونی است و با تشکل‌های دیگر تفاوت دارد و باید مدیران این را ببیزند. خوشبختانه اتاق‌های ایران و استان‌ها در این باره باز عمل کرده‌اند و اگر برخی ابهام‌ها درباره شفاف بودن یا شفاف نبودن وجود دارد نیز باید برطرف شود و تاکنون هم تلاش بر همین بوده است.

■ بازگویی

اعضای هیات رئیسه اتاق‌ها و نیز روسای اتاق‌ها و روسای کمیسیون‌ها می‌توانند از راه‌های گوناگون نسبت به شفاف‌سازی دیدگاه‌های خود اقدام کنند و تا جایی که من اطلاع دارم این کار انجام می‌شود ولی می‌شود آن را تشدید کرد. از سوی دیگر بهترین راهبرد این است که برخی زیرمجموعه‌های اتاق‌ها تقویت شوند. به‌طور مثال اتاق ایران با تاسیس نهاد پژوهشی در این باره گام برداشته است. در اتاق بحث‌های زیادی می‌شود که نهاد اطلاع‌رسانی و نیز زیر مجموعه‌ای برای افزایش شفافیت تقویت شود. به هر میزان که نهاد شفافیت و شاخص‌های آن در اتاق‌ها بیشتر شود کارآمدی افزایش و نیز ابهام‌ها کمتر خواهد شد.

■ الزام دموکراسی

بدون چون و چرا باید قبول کرد نهاد دولت در همه جامعه‌ها تمامیت‌خواه و انحصارگر بزرگ انواع قدرت است. دولت‌ها با استفاده از قدرت سیاسی و با بهره‌برداری از اصل استوار قابلیت تبدیل انواع قدرت به یکدیگر می‌تواند قدرت اقتصادی را نیز ضمیمه قدرت سیاسی کند. این کار در ایران به دلیل اینکه بیش از یک سده است نهاد دولت قدرت سیاسی و نیز هفت دهه است قدرت اقتصادی را به دلیل تملک منابع طبیعی در چنگ دارد بیشتر نمود دارد. نهاد دولت در ایران در دهه نخست بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی و با ویران کردن سازمان بورژوازی شکل گرفته بیش از هر دولت دیگری قدرتمند شد. با افزایش قدرت دولت و نیز سایر نهادهای حکومتی در دهه نخست حکمروایی نظام جمهوری اسلامی قدرت بنگاه‌های خصوصی و نیز قدرت خانواده‌ها به چنگ دولت افتاده است. واکاوی مناسبات دولت در ایران با بخش خصوصی واقعی واصل و غیروابسته به نهادهای قدرت دهمه سال‌های بعد از ۱۳۵۸ نشان می‌دهد نهاد دولت به این بخش اعتماد ندارد و هرگز حاضر نبوده و نیست که سهمی از قدرت در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد. منتقدان بخش خصوصی که طیف‌های گوناگون و با نام‌های متفاوت را شامل می‌شود همواره بخش خصوصی را تضعیف کرده و می‌کنند. با این همه و در ۱۶ سال بعد از جنگ دولت‌های سازندگی و اصلاحات و نیز مجلس تحت ریاست علی لاریجانی راه‌هایی را برای نیرومندتر کردن بخش خصوصی باز کردند.

یکی از این راه‌ها این بود که به جای راهبرد پیشین در انتخابات اتاق‌های بازرگانی که با رخوت و نوعی دوری‌گزینی از سوی بخش خصوصی همراه بود رقابت را به انتخابات اتاق‌ها برگرداند.

به این ترتیب بود که نخست در انتخابات اتاق تهران و در جریان انتخاب رئیس اتاق بازرگانی ایران رخدادهای قابل اعتنایی دیده شد. وجود گروه‌های رقیب و ائتلاف‌های نیرومند انتخابات را داغ کرد و اشتیاق بیشتر بازرگانان و فعالان صنعتی و معدنی و کشاورزان برای انتخابات اتاق‌های بازرگانی به ویژه در دوره‌ای که هنوز در جریان است دیدنی بود.

داستان دلار و تورم

اقتصاد ایران موضوعی عادی است، با این حال خلق پول اگر به هدف‌های اقتصادی برخورد نکند افزایش نرخ تورم را به همراه خواهد داشت. در ادامه سال‌های حضور بهمنی در بانک مرکزی تغییرات مهمی در بازار پول و ارز اتفاق افتاد. نرخ تورم که تا سطح ۱۰ درصد افت کرده بود وارد ریل صعود شد و بعد از دو دوره رشد تدریجی ناگهان جهش یافت و به قله ۳۰ درصدی بازگشت. آنطور که آمارها نشان می‌دهند یکی از بدترین عملکرد توری دولت‌ها مربوط به سال‌های ۹۱ و ۹۲ بوده است. در این دو سال نیز نرخ تورم به ترتیب ۳۰/۵ و ۳۴/۷ درصد بوده است. نرخ ارز نیز در هردوی این سال‌ها رشد قیمتی زیادی داشته است. در سال ۹۱ دلار بازده ۱۱۶/۵ درصد داشته است که بیشترین بازده دلار از سال ۷۶ به بعد (سال ابتدایی دوره مورد بررسی این گزارش) بوده است. دلار در سال ۹۰ با قیمت ۱۲۰۴ تومانی معامله می‌شد اما با رشد ۱۱۶/۵ درصدی به ۲۶۰۷ تومانی رسید. همانطور که گفته شد اولین خیز بزرگ تورم نیز در سال ۹۱ برداشته شد. در فاصله سال‌های ۹۱ تا ۹۲ نیز نرخ دلار رشد ۲۲/۱ درصدی را تجربه کرد و به ۳۱۸۳ تومانی رسید.

■ سیف و همتی

از سال ۹۲ به بعد اما بازار پول چهره دیگری از خود ترسیم کرد. به عبارتی می‌توان اعلام کرد که دوره افت نرخ تورم در دوره مدیریت ولی‌الله سیف اتفاق افتاد. در این دوره نرخ تورم در دوره یک ساله خود به ۱۵/۶ درصد رسید. به عبارتی تورم در فاصله سال‌های ۹۲ و ۹۳ تقریباً نصف شد و بنابراین جهش رو به پایین شدیدی داشته است. روند رو به

بود و بنابراین تغییرات این دوره یک ساله نمی‌تواند ملاک درستی برای ارزیابی عملکرد وی باشد. در این دوره یک ساله نرخ تورم از ۱۸/۴ درصد به ۲۵/۴ درصد رسید که موید رشد ۷ درصدی آن است. در این فاصله نرخ ارز تنها ۳/۳ درصد رشد داشته است بنابراین تورم از طریق جلوگیری از افزایش نرخ ارز در این دوره کنترل شده و از افزایش بیشتر آن جلوگیری شده است. با این حال این نخستین بار از سال ۷۶ بوده که نرخ تورم توانسته از قله ۲۰ درصدی عبور کند. پیش از آن تورم فقط یک بار و در سال ۷۶ رشد ۲۰ درصدی به خود دیده بود و در سال‌های بعد از آن (به جز از سال ۸۶ به بعد) نرخ تورم حتی زیر ۱۵ درصد قرار داشت.

از سال ۸۷ تا ۹۲ محمود بهمنی ریاست بانک مرکزی را بر عهده گرفت. اتمام اولین سال از حضور وی با افت شدید نرخ تورم همراه شد. هرچند ورود وی به بانک مرکزی با نرخ ۲۵/۴ درصدی کلید خورده بود، اما در سال ۸۸ این نرخ با افت ۱۴/۶ درصدی به ۱۰/۸ درصد رسید. این پایین‌ترین نرخ تورم ثبت شده از سال ۷۶ به بعد (به جز تورم ۱۰/۴ درصدی سال ۸۴) محسوب می‌شود. در این دوره نرخ ارز نیز ثبات قیمتی خود را حفظ کرد و تغییرات زیادی را تجربه نکرد. به عبارتی دلار در سال ۸۷ حدود ۹۶۶ تومانی قیمت داشت اما در سال ۸۸ نرخ ثبت شده برای آن ۹۹۷ تومانی بود. اما افت ناگهانی نرخ تورم در این دوره می‌تواند شبیهه کاهش دستوری قیمتها را به دنبال داشته باشد. نگاهی به میزان رشد نقدینگی در سال ۸۸ نیز می‌تواند این مسئله را توجیه کند که نرخ تورم نباید این میزان افت را تجربه می‌کرد. بر اساس همین آمارها رشد نقدینگی نزدیک ۲۴ درصد بوده است. هرچند این میزان رشد نقدینگی برای

واقعیات اقتصاد ایران چنین شده است که افزایش قیمت آمریکا در بازار آزاد ارز ایران با یک تاخیر زمانی پیامدهایش را بر بازار کالاها و خدمات مصرف‌کننده نهایی می‌گذارد. به این معنی که تغییرات قیمت دلار راه را برای تولیدکنندگان باز می‌گذارد تا افزایش قیمت کالاها را عرضه شده خود را افزایش دهند. تولیدکنندگان باوردارند قیمت دلار بر قیمت مواد اولیه مصرفی بنگاه‌ها و نیز بر حمل و نقل و مزد کارگران موثر است و قیمت تمام شده را افزایش می‌دهد. توزیع‌کنندگان نیز ناگزیرند از این رفتار تولید تبعیت کنند و در نتیجه نرخ تورم عمومی با همان شاخص قیمت مصرف‌کننده نیز روندی فزاینده را تجربه می‌کند. قیمت دلار در سال‌های طولانی با توجه به دلیل استمرار درآمدهای صادراتی و نیز تغییرات قیمت نفت در یک روند فزاینده در دهه ۱۳۸۰ تغییرات معناداری را تجربه نکرد و نوعی تثبیت قیمت وجود داشت و حتی از نرخ تورم هم عقب مانده بود.

■ دهه ۱۳۸۰

هر دلار در سال ۸۲ معادل ۸۲۵ تومانی بوده و در سال ۸۶ به ۹۳۵ تومانی رسیده است. به این ترتیب در این دوره شاهد ثبات نرخ ارز و نرخ تورم بوده‌ایم و تغییرات اندک قیمت ارز در رشد نامحسوس نرخ تورم تسری پیدا کرده است. افت ارزش پول ملی نیز در این دوره روند بسیار کندی داشته و در مقابل تحولات سال‌های بعد از آن حتی می‌تواند قابل چشم‌پوشی باشد. دور بعدی ریاست بانک مرکزی با روی کار آمدن طهماسب مظاهری در سال ۸۶ رقم خورد. عمر حضور وی در نهاد سیاست‌گذاری پول تنها یک سال

